

بنیان گذار نهاد دولت به مفهوم امروزی

۳



اندازه دولت دراقتصاد ایران

۴



چرا فمینیسم
و نه اومانیسم؟

۸

خداوندا در توفیق بگشا

توفیق اقتصادی

چه بلایی سر فرهنگ
ایرانی آمده؟

۷



توفیق اقتصادی، ماهنامه خوش اخلاق ها و خوش ذوق ها در حوزه اقتصادی و اجتماعی سال پنجم - شماره ۴۵ و ۴۶ - مهر و آبان ماه ۱۳۹۸ (قیمت: ۲۰۰۰ تومان)

آمدند ابروی مردم را درست کنند؛ چشمشان را کور کردند!

اعلام افزایش قیمت بنزین از روز جمعه ۲۴ آبان ماه اعتراض‌هایی را در شهرهای مختلف کشور به همراه داشته است. با این حال مواضع برخی چهره‌های سیاسی در واکنش به این تصمیم قابل تأمل است. اعلام افزایش قیمت بنزین اعتراض‌هایی را در شهرهای مختلف کشور به همراه داشته است. با این حال مواضع برخی چهره‌های سیاسی در واکنش به این تصمیم قابل تأمل است. برخی گویا فرصت را مناسب دیده تا با تاختن بر دولت، بر طبل اعتراضات بکوبند و خود در حکم بنزین روی آتش باشند. از جمله حمید رسایی، از چهره‌های مخالف دولت در رشته تئوتیت‌هایی با هشتگ «گرانی بنزین» و «فتنه ۹۸»، دولت را متهم به ایجاد اغتشاش در کشور کرده است. او در تئوتیتی با هشتگ فتنه ۹۸ نوشته: «قرار بود آندینوز با توجه به تجربه دی ماه ۹۶، اغتشاشات لبنان و عراق را به داخل ایران بکشاند. نیما زم که بازداشت شد، پروژه کشاندن بحران به داخل ایران از هم پاشید. آیا تصمیم عجیب گران کردن بنزین در این مقطع زمانی، نمی‌تواند مشاوره‌ای غلط و بدون توجه به این نکته باشد؟» مجتبی ذوالنور، نماینده اصولگرایی قم هم در تئوتیتی نوشته: «آمدند ابروی مردم را درست کنند؛ چشمشان را کور کردند!» او همچنین نوشته که «این کار دولت، خلاف است.» امیرحسین قاضی‌زاده هاشمی، نماینده اصولگرایی مشهد هم در گفت‌وگویی با فارس، مدعی شده که «هر اساس اخبار واصله، تشریفات قانونی افزایش قیمت بنزین در چارچوب فرآیندهای شورای هماهنگی سران قوا طی نشده و دولت براساس اختیارات قانونی خود اقدام به این کار کرده است.» این قبیل مواضع و انداختن توب در میدان دولت در حالی است که تا پیش از این اکثر کارشناسان و حتی جریان‌های مخالف دولت هم با اشاره به ناعادلانه بودن پاره قیمت سوخت و میزان مصرف بالای آن و همچنین قاچاق سوخت از کشور، از ساماندهی این وضعیت دفاع می‌کردند و حالا سعی دارند به بهانه اعلام این تصمیم از سوی دولت آن را محصول دولت بدانند. این جریان سیاسی پیش از این در مواجهه با برجام هم همین رویه را در پیش گرفته بودند و آن را ساخته دولت و وزارت خارجه بدون هماهنگی با دیگر ارکان نظام می‌دانستند. به ادعای آنها دولت رهبری و توصیه‌های ایشان را دور زده است. حال آنکه هر مطلق از تحولات سیاسی ایران اذعان دارد که تصمیمات مهم و کلان کشور بر اساس یک هم‌افزایی و اجماع در سطوح مختلف نظام گرفته می‌شود و دولت مجری آن سیاست‌هاست. تئوتی‌ها به هر بهانه‌ای اقدام به «دو قطبی سازی» می‌کنند تا در چنین فضای مایه جنجالی خود را صید کنند. حالا در ماجرای افزایش قیمت بنزین هم همین شیوه سیاست‌ورزی را در دستور کار خود قرار داده‌اند. به نظر می‌رسد برخی جریان‌های تندرو، ماهیت خود را در مخالفت با دولت تعریف کرده‌اند و تفاوتی نمی‌کنند بهانه یا تبعات آن چه باشد. گویی برخی از چهره‌های این جریان سیاسی از اعتراض‌های مردم ذوق‌زده شده و آن را با ملاک‌های انتزاعی خود می‌سنجند. غافل از اینکه همچون دی ماه ۹۶ شعارهای تندروانه و کف خیابانی محدود به یک نهاد یا جریان نمانده است. برخلاف این ادعاها، دادستان کل کشور تصمیم افزایش قیمت بنزین را قانونی خواند و آن را در پی مدیریت اصلاح قیمت بنزین دانست که براساس قانون و کارشناسی‌های انجام شده توسط دولت محترم ابلاغ شده است، و تأکید کرد که این اصلاح در جهت منافع عمومی مردم است. اما آیا افزایش قیمت بنزین تصمیم خودسرانه دولت بوده است؟ خبرگزاری ایسنا در پاسخ به این سؤال نوشته است: «شورای هماهنگی اقتصادی سران قوا که یک شورای فراقوه‌ای است، پس از چندین جلسه بررسی موضوع قیمت سوخت، تصمیم گرفت تا قیمت بنزین را افزایش دهد. تصمیمات این شورا به منزله تصمیمات نظام تلقی شده و رهبری هم تأکید کرده‌اند که از مصوبات این شورا حمایت خواهند کرد. شورای هماهنگی اقتصادی سران قوا شامل رؤسای قوه معاون اول قوه قضائیه و دادستان کل کشور، معاون اول رئیس جمهوری، معاون اقتصادی رئیس جمهوری، وزیر اقتصاد، سخنگوی دولت، معاون اقتصادی رئیس جمهوری، وزیر کشور، رئیس بانک مرکزی، رئیس دفتر رئیس جمهوری، رئیس سازمان برنامه و بودجه و رؤسای کمیسیون‌های اقتصادی و برنامه و بودجه و همچنین رئیس مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی می‌شود. البته با توجه به موضوعات مورد بررسی، برخی از مسئولان نظام نیز به جلسات این شورا دعوت می‌شوند.» با این وصف و با توجه به ترکیب شورای یاد شده و مهم‌تر از همه اهمیت اصلاح قیمت‌های سوخت، به صرف اعلام تصمیم از سوی دولت نمی‌توان آن را محصول یا تصمیم خودسرانه دولت دانست بلکه باید آن را تصمیم نظام خواند. اگر چه بر سر کم و کیف اجرای این قانون می‌شود بحث کرد و نظری متفاوت داشت اما اعلام مواضع غیر کارشناسی و جناحی نه تنها مشکلی را حل نخواهد کرد که چه بسا یک موضوع ساده را تبدیل به بحران نماید.

بی‌ربط‌ترین مقایسه ممکن

از شوخی‌های مضحک این روزها این است که ایران را با یوگسلاوی مقایسه می‌کنند. کسی که چنین مقایسه‌ای می‌کند حتی یک خط از تاریخ یوگسلاوی نمی‌داند. فقط شنیده کشوری به نام یوگسلاوی وجود داشته که تجزیه شده. به لحاظ تاریخی بی‌ربط‌ترین مقایسه ممکن همین مقایسه ایران با یوگسلاوی است. یوگسلاوی کشوری کاغذی بود، یعنی روی کاغذ پدید آمد بود و هیچ - مطلقاً هیچ - پیشینه تاریخی نداشت. حال چطور می‌توان آن را با ایرانی مقایسه کرد که چندصد سال است - به عهد باستان کاری ندارم - مرزهای تعریف‌شده دارد؟! کمی از یوگسلاوی می‌گویم تا خود قضاوت کنید. تا پیش از ۱۹۱۸ هیچ‌گاه کشوری به نام یوگسلاوی وجود نداشت. نام یوگسلاوی به معنای «اسلاوهای جنوبی» است. ایده تشکیل یوگسلاوی را ملی‌گرایان صرب پیش از جنگ جهانی اول در سر پروراندند، به عنوان کشوری که اسلاوهای جنوب اروپا را دربرگیرد. اما آنچه این ایده را امکان‌پذیر کرد شکست امپراتوری «اتریش-مجارستان» بود. اتریش-مجارستان کشوری بزرگ در اروپای مرکزی و جنوبی بود که در جنگ جهانی اول دوشادوش آلمان علیه متفقین می‌جنگید. اتریش-مجارستان چندملیتی بود و از اواخر قرن نوزدهم گرایش‌های ملی‌گرایانه و تجزیه‌طلبانه در آن اوج گرفت.

اصلاً جرقه جنگ جهانی اول چگونه خورد؟ کشور کوچک پادشاهی صربستان در جنوب اتریش-مجارستان قرار داشت و ملی‌گرایان صرب در صربستان و در اتریش-مجارستان در تلاش بودند به هم بپیوندند و کشوری بزرگ بسازند. به همین دلیل علیه حکومت اتریش-مجارستان می‌جنگیدند. در جریان همین مبارزه

گروهی از جوانان ملی‌گرا فرانتس فردیناند، ولیعهد اتریش را در ساریوو ترور کردند و این جرقه بروز جنگ جهانی شد. پس از شکست آلمان و اتریش-مجارستان فرصتی برای ملی‌گرایان صرب فراهم شد و چون آن زمان شعار «حق تعیین سرنوشت» مبنای اصلی کشورسازی بود، از ایده تشکیل یوگسلاوی حمایت شد. پس از جنگ جهانی اول کلاف سردرگم و پراشویی در اروپای شرقی، مرکزی و جنوبی پدید آمد. سالیانی را تصور کنید که ده‌ها نفر با هم گلاویزند و همه همدیگر را می‌زنند! هر کس به هر کس می‌رسد ممت و لگد شروع می‌شود! وضع اروپای شرقی و جنوبی چنین بود. «پادشاهی صربستان، کرواسی و اسلوانی» در چنین شرایطی در ۱۹۱۸ «روی کاغذ» (و نه با خواست ملی مردم) تشکیل شد. ترکیب جمعیتی آن چنین بود: ۴۴٪ صرب، ۲۳٪ کروات، ۸٪ اسلوانیایی، ۶٪ مسلمان؛ ۱۷٪ هم اقلیت قومی بودند (آلمانی، مجار، آلبانیایی...). کرواسی و اسلوانی دنبال نظام فدرالی، اما صرب‌ها دنبال دولت مرکزی نیرومند بودند. در این کشور انواع تضادها وجود داشت، از تضاد قومی و دینی تا تضاد در توسعه‌یافتگی (و تا پایان عمر این کشور پابرجا ماند). این یوگسلاوی کشوری کاغذی بود و بهترین نشانه آن هم این بود که پس از آغاز جنگ جهانی دوم وقتی آلمان در ۱۹۴۱ به یوگسلاوی اعلام جنگ کرد، این کشور بدون مقاومت تسلیم و چندپاره شد. آلمان بخشی از آن را برداشت و بخشی را مانند گوشت نذری به بلغارستان و مجارستان بخشید و کشور مستقل کرواسی تحت حکومت فاشیستی اوستاشا (به رهبری آنته پاولیچ) ایجاد شد. گروه‌های پارتیزانی برای مقابله با آلمان پا گرفت، اما آن‌ها هم به جان هم افتادند. چریک‌های

صرب (چتیک‌ها) به پادشاهی صربستان وفادار بودند و چریک‌های کمونیست (به رهبری تیتو) دنبال نظامی کمونیستی بودند. در این میان مسلمانان یوگسلاوی (بوسنیایی‌ها) یا برای آلمان می‌جنگیدند یا خود علیه آن دو گروه چریک دیگر. یک لشکر مخوف به نام «خنجر» از مسلمانان تشکیل شد که زیر نظر اس‌اس می‌جنگید. پس در ۱۹۴۱ در یوگسلاوی همه علیه همدیگر می‌جنگیدند و این کشور عملاً نابود شده بود! برای مثال، کروات‌ها ده‌ها هزار غیرنظامی صرب و یهودی را کشتند؛ صرب‌ها ده‌ها هزار کروات را کشتند؛ بوسنیایی‌ها در جنایات آلمان شریک شدند؛ پارتیزان‌های کمونیست شمار زیادی کروات و اسلوانیایی را کشتند. پس چه چیزی باعث بقای یوگسلاوی شد؟ نیروهای متخاصم مانند نوعی بازی حذقی مرگبار همدیگر را کشتند تا یک جناح یا شکست دادند همه حاکم شدند: کمونیست‌ها به رهبری تیتو بر یوگسلاوی حاکم شدند. تیتو رئیس‌جمهور مادام‌العمر یوگسلاوی شد و با شیوه‌های رایج در نظام‌های کمونیستی (البته کمی ملایم‌تر) مخالفان را حذف کرد و کشور با زور سرنیزه پابرجا ماند. وقتی تیتو پس از ۳۵ سال دیکتاتوری در ۱۹۸۰ درگذشت صدای ملی‌گرایان صرب، کروات و اسلوانیایی بی‌درنگ بلند شد. حالا مانده بود نظام سوسیالیستی فروپاشد. با اولین انتخابات آزادانه در ۱۹۹۰ صفت‌بندی مرگباری شکل گرفت و سسال بعد جنگ (های) یوگسلاوی آغاز شد؛ جنگی که برنده‌ای نداشت، همه باختند، یکی بیشتر و یکی کمتر. پیش از مقایسه ایران با کشوری دیگر و صحبت از «بالکانیزاسیون» باید کمی تاریخ بخوانیم! این مطلب را مهدی تدینی تاریخ نگار نوشت.

هجوم عرب‌ها به شمال ایران

محمد جواد جمالی نو بند گانسی نایب‌رئیس کمیسیون امنیت ملی از هجوم خارجی‌ها و بویژه شهروندان کشورهای عربی برای خرید ویلا و زمین در شهرهای شمالی کشور خبر داد و گفت: وجود آب و هوای مناسب و مناطق بیلابلی از یک‌سو و افزایش نرخ ارز از سوی دیگر سبب استقبال اعراب از خرید ویلا در مناطق شمالی کشور شده است. اگرچه دهیاران، بخشداران و افراد ناظر نباید اجازه جنگل‌خواری،

زمین‌خواری، کوه‌خواری و بروز چنین اتفاقاتی را بدهند اما متأسفانه شاهد این اتفاق در مناطق شمالی کشور هستیم. بسیاری از افراد خارج کشور و اعراب ویلاهایی را به نام ایرانی‌ها و افراد بومی در شمال کشور خریداری می‌کنند، با توجه به اینکه شاهد افزایش قیمت زمین در شمال کشور هستیم اما فروش زمین در مناطق شمال کشور به اعراب با هماهنگی مقامات محلی انجام می‌شود. در سال‌های گذشته با عبور

از کرانه‌های مازندران به خوبی دریا را مشاهده می‌کردیم اما متأسفانه در حال حاضر ساخت و سازها و ... سبب شده که وضعیت به گونه‌ای دیگر تغییر کند. نباید فراموش کرد که اقداماتی مانند فروش ویلا و ساخت در این مناطق به اذن افراد و مقاماتی انجام می‌شود که اقدام به کارهایی مانند صدور پروانه، ارائه گاز، آب و برق را می‌کنند. وجود آب و هوای مناسب و مناطق بیلابلی در مناطق شمال کشور از یک سو و افزایش نرخ ارز هم از سوی دیگر سبب استقبال اعراب از خرید ویلا در مناطق شمالی کشور شده است. هجوم افراد به خرید زمین ملک و زمین در مناطق شمالی سبب افزایش قیمت زمین در این منطقه شده است بطوری که این مهم ناراحتی‌هایی برای اهالی شمال کشور ایجاد کرده است. این در حالیست که افرادی که در شمال کشور مسئولیت دارند از این موضوع مطلع‌اند. این مطلب را ما نوشتیم ایسنا نوشت.

دماوند؛ نماد کوهستان‌های ایران برای ما اهمیت دارد

دماوند به عنوان نماد کوهستان‌های ایران برای ما اهمیت دارد. رییس انجمن فرهنگی اتریش در تهران در تعریفی که از ایران برای هموطنان خود خواهد داشت، اذعان داشت: به هموطنان خود در اتریش می‌گویم که ایران کشور زیبایی است و پیشنهاد می‌کنم حتماً به ایران سفر کنند. با مردم ایران صحبت کنند و وقتی به ایران سفر کنند و این تجربه را کسب کنند، با عقاید ایران آشنا می‌شوند و اینگونه است که آشنایی دو سویه محقق می‌شود. الکساندر ریگر (معاون فرهنگی سفارت اتریش در ایران و رییس انجمن فرهنگی اتریش در تهران) با اشاره به آنکه بیشترین تعداد گردشگران اتریشی که به ایران می‌آیند در حوزه کوهنوردی، طبیعتگردی و البته گردشگران فرهنگی هستند، گفت: البته که گردشگران و طبیعتگردان اتریشی، ایران را می‌شناسند. سال‌هاست که به ایران سفر می‌کنند و ما با ایران تبادل گردشگر داریم. گردشگران اتریشی، مسائل و موضوعات زیادی درباره ایران می‌دانند اما بیشترین تعداد گردشگران اتریشی که به ایران می‌آیند در حوزه کوهنوردی و گردشگران فرهنگی هستند. او در پاسخ به این سؤال که با توجه به آنکه در بیشتر مواقع طبیعتگردان و کوهنوردان اتریشی، ایران را به عنوان مقصد سفر خود انتخاب می‌کنند، کدام بخش از طبیعتگردی ایران از قله‌های زاگرس و البرز گرفته تا صخره‌ها و آبشارها و ... مورد توجه و علاقه طبیعتگردان اتریشی است، اظهار کرد: سال‌هاست که صد هفتاد و پنج‌مین سالگرد سفر یک کوهنورد اتریشی به ایران بود. این بهانه‌ای شد تا با همکاری گروهی از کوهنوردان ایرانی و اتریشی، شرایط صعود به قله دماوند را فراهم کنیم. من نیز با این گروه همراه شدم و به دماوند صعود کردیم.



این تجربه بسیار جالب و دیدنی بود. ریگر با اشاره به آنکه اتریشی‌ها به کوهنوردی بسیار علاقه‌مند هستند، تصریح کرد: از آنجا که بیشتر کوه‌های ایران از نظر تکنیکی، صعودی آسان دارند می‌توانند به عنوان یکی از نقاط مورد توجه کوهنوردان اتریش مد نظر بگیرند. در این میان دماوند به عنوان نماد کوهستان‌های ایران برای ما اهمیت دارد. معاون فرهنگی سفارت اتریش در ایران در پاسخ سئوالی مبنی بر آنکه، این روزها شاهد تصویرسازی‌های منفی رسانه‌ها از ایران در ذهن جهانیان و شکل‌گیری ایران‌هراسی در دنیا هستیم، رسانه‌های اتریش تا چه اندازه با سیاست ایران هراسی حاکم بر جو رسانه‌های دنیا پیش می‌روند، گفت: مردم اتریش مانند همه مردم دنیا به اخبار و رسانه‌ها گوش می‌دهند. اما آنچه ما در انجمن فرهنگی اتریش در تهران انجام می‌دهیم، در حوزه فرهنگی و علمی است. افرادی که به ایران سفر می‌کنند، گردشگر هستند و برای بازدید می‌آیند. وقتی اتریشی‌ها و گردشگران به ایران سفر می‌کنند و از نزدیک با ایران آشنا می‌شوند، دید و نگاهشان در خصوص ایران تغییر می‌کند. در ایران همه مردم کار می‌کنند، درس می‌خوانند و مانند همه جای دنیا زندگی می‌کنند. به اعتقاد او هرچند ایران ملو از جاذبه‌های فرهنگی و گردشگری به لحاظ فرهنگ، آداب و رسوم، تاریخ و سایر ظرفیت‌های گردشگری است اما مهم‌ترین ظرفیت‌های ایران برای حضور در میان کشورهای گردشگر پذیر و معرفی در میان گردشگران اتریشی، طبیعت و فرهنگ است. در این میان باید به محیط زیست توجه ویژه داشت. ریگر خاطرنشان کرد: در سال ۲۰۱۵، ایران و اتریش همکاری جدیدی را با یکدیگر آغاز کردند که در سه موضوع، گردشگری، محیط زیست و حفاظت از آب است. در این رابطه، در صدد تدوین استراتژی‌هایی برآمده‌ایم که زمینه همکاری را فراهم می‌کند. در کار گروه گردشگری ایران و اتریش، تبادل تجربیات و اطلاعات صورت گرفت و نه تنها بخش دولتی، بلکه دانشگاه‌ها و بخش خصوصی نیز به این حوزه وارد شده‌اند و از نظرات آنها استقبال خواهیم کرد. توجه به گردشگری نقش عمده‌ای برای ما دارد و توجه به محیط زیست نقش کلیدی خواهد داشت. فرصت‌های جدیدی برای توسعه گردشگری ایران و اتریش تعریف خواهیم کرد. رییس انجمن فرهنگی اتریش در تهران در تعریفی که از ایران برای هموطنان خود خواهد داشت، اذعان داشت: به هموطنان خود در اتریش می‌گویم که ایران کشور زیبایی است و پیشنهاد می‌کنم حتماً به ایران سفر کنند. با مردم ایران صحبت کنند و وقتی به ایران سفر کنند و این تجربه را کسب کنند، با عقاید ایران آشنا می‌شوند و اینگونه است که آشنایی دو سویه محقق می‌شود. این مطلب را ایسنا نوشت.

با هیچ‌کس تعارف نداریم

حجت‌الاسلام والمسلمین محمد جعفر منتظری دادستان کل کشور گفت: برای از بین بردن جرم باید دستگاه قضایی از آلودگی مبرا باشد و هیچ تعارفی هم با هیچ‌کس در هیچ سمتی نیست به‌طور مثال روز گذشته پنج قاضی فاسد را از دستگاه قضا جدا کردیم. امروز در جبهه‌های مختلف اقتصادی، فرهنگی و نفوذ در حال نبرد و جنگ با دشمن هستیم و دشمن به‌دلیل خوردن ضربه کاری از نظام جمهوری اسلامی ایران با تمام توان به میدان آمده اما ما باید در این جنگ نیز مانند دفاع مقدس پیروز میدان باشیم. وی با اشاره به اینکه دادستان‌ها و مسئولان قضایی باید مشکلات واحدهای تولیدی را برطرف کنند، گفت: در زمان جنگ تحمیلی در تحریم کامل بودیم و حتی سیم خاردار نیز نداشتیم اما امروز به‌واسطه وجود رهبری فرزانه و حضور جوانان پرتوان در صحنه‌های مختلف، دنیا را به تحیر واداشته‌ایم. دستگاه قضا از زمان تشکیل شورای عالی اقتصاد توسط مقام معظم رهبری در حوزه اقتصاد نیز ورود کرده است و مسئولان دستگاههای اجرایی هم باید در این عرصه جهادگونه ورود کنند و هیچ بهانه‌ای در حوزه اقتصاد کشور وجود ندارد. دستگاههای اجرایی باید مشکلات اجرایی را حل‌وفصل کنند و رفع موانع از جمله بوروکراسی اداری و قوانین و مقررات دست‌وپاگیر به‌عهده دستگاه‌های اجرایی است اما در این حوزه کندی کار وجود دارد. سمت‌ها و پست‌ها می‌گذرد و برای هیچ یک از ما دوام ندارد از این رو باید از فرصت‌ها استفاده و خالصانه خدمت کرد. دادستان به‌عنوان مدعی‌العموم وظایف بسیاری دارد که مردم‌داری و تکریم ارباب رجوع، نظارت مستمر و مدیریت‌شده بر همه دادستان‌های استان، نظارت بر ضابطان قضائی و اهتمام لازم برای صیانت از حقوق عامه و حضور در صحنه‌ها از آن جمله است. نظارت بر زندان و زندانیان، جلوگیری از بازداشت‌های غیرضرور و مدیریت صحیح در صدور قرارها، تلاش برای حل‌وفصل دعاوی، برخورد کافی با سرقت و سارقان که امنیت را از جامعه گرفته‌اند و بازاجتماعی کردن زندانیان از دیگر وظایف دادستان‌هاست. برای از بین بردن جرم باید دستگاه قضایی از آلودگی مبرا باشد و هیچ تعارفی هم با هیچ‌کس در هیچ سمتی نیست به‌طور مثال روز گذشته پنج قاضی فاسد را از دستگاه قضا جدا کردیم. بیش از ۱۱ هزار قاضی در دستگاه قضا فعالیت می‌کنند و باید اجازه جولان از تعداد اندکی که باعث بدنامی می‌شوند گرفته شود و دستگاه قضایی، وکلا و کارشناسان از وجود افراد ناپاک، پاکسازی شوند.



اگر درایت جهانگیری نبود...

چندی پیش مصطفی کواکبیان نماینده تهران ورئیس هیات مدیره خانه مطبوعات گفت: اگر درایت آقای جهانگیری نبود شاید وضعیت کاغذ که امروز مقداری حالت ثبات پیدا کرده است بسیار بدتر از وضع فعلی بود. کواکبیان با تأکید بر لزوم توجه به مطبوعات از سوی دولت‌ها و حکومت‌ها خاطر نشان کرد: برای اثبات این‌که مطبوعات رکن چهارم دموکراسی هستند، اگر دولت، نظام و حکومت بخواهند، می‌توانند روی ماهیانه ۵۰۰ الی ۶۰۰ هزار تومان در ماه راضی به فعالیت هستند که من از این موضوع و از وضعیت معیشتی روزنامه‌نگاران و خبرنگاران خجالت می‌کشم.



مجلس مخالف قطع یارانه مردم



رحیم زارع سخنگوی کمیسیون ویژه حمایت از تولید ملی و نظارت بر اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی مجلس شورای اسلامی با تأکید بر اینکه موضوع ساماندهی یارانه‌ها

به معنای حذف یارانه مردم نیست، گفت: مجلس هیچگاه به دنبال قطع یارانه مردم نبوده است، چراکه رقم یارانه پنهان ۲۰ برابر یارانه پرداختی به مردم بوده و دولت باید بخش یارانه‌های پنهان را ساماندهی کند. این موضوع که عده‌ای در فضای مجازی می‌گویند مجلس به دنبال قطع یارانه نقدی مردم بوده صحیح نیست چراکه مجلس مخالف قطع یارانه مردم است.

دولت بانک اطلاعاتی ضعیفی برای حذف یارانه دهک‌های پردرآمد داشته و به جای این دهک‌ها در روزهای اخیر یارانه اقشار ضعیف که حتی باید یارانه آنها اضافه شود، را قطع کرده است. اجرای قانون هدفمندسازی یارانه‌ها از سال ۸۹ آغاز شد و باید در همان زمان تفکیکی بین دهک‌های بالا

و پایین درآمدی صورت می‌گرفت و به ثروتمندان یارانه پرداخت نمی‌شد، چراکه در حال حاضر تفکیک بین ثروتمندان و فقرا با کاهش قدرت خرید مردم دشوار شده است.

حذف یارانه نقدی به مصلحت نیست. شیوه‌ای که دولت برای حذف دهک‌های بالای درآمدی انتخاب کرده نتیجه مطلوبی ندارد، بلکه همانند روزهای اخیر مشکلاتی برای دهک‌های پایین درآمدی که یارانه آنها قطع شده ایجاد می‌کند. دولت اگر به دنبال کسب درآمد از طریق حذف یارانه بگیران است باید یارانه سوداگران و دلالان که در یک شب ثروت‌های نجومی کسب کرده‌اند را قطع کند، نه اینکه با حذف یارانه اقشار ضعیف جامعه برای آنها مشکل آفرینی کند.

«شناور» شدن واژه‌های زبان و رابطه آن با دموکراسی و استبداد



سیاسی و اقتصادی -

زاینده‌ترین زبان

جهان است، ولی ممکن

است به اعتبار عارضه

«شناور بودن» با زبان فلان

کشور عقب‌مانده نیمه‌مدرده در زنجیر استبداد در اعماق قاره سیاه

قابل مقایسه نباشد؛ یعنی زبان آن کشور از زبان انگلیسی شناورتر

باشد. شناور شدن زبان اصلاً شاید یکی از دلایل نازایی زبان باشد.

زیرا زبایی از خواص رشد اجتماعی و فرهنگی است و شناور

شدن از لوازم عقب‌گرد و فروماندگی. وقتی زبانی حرفی برای

گفتن ندارد، با شناور کردن کلمات خود، خودش را گول می‌زند

که من حرف تازه‌ای دارم می‌زنم در صورتی که هیچ حرف تازه‌ای

ندارد. شناور شدن نشانه فقدان اندیشه‌های فلسفی و عقلانی در

زیربنای جامعه است و جامعه‌ای که در آن اندیشه حکیمان و

فرزانگان نقشی نداشته باشد، به‌ناگزیر بازیچه خودکامگان و

عوام‌فریبان است. این مطلب را شفیع کدکنی نوشت.

و قانون به حقوق افراد نمی‌توان تجاوز کرد، به حدود کلمات هم نمی‌توان تجاوز کرد. از این روی زبان قلمروی است که از مطالعه در آن می‌توان به حدود رعایت حقوق و آزادی‌های فردی و اجتماعی موجود در آن جامعه پی‌برد. اکنون به یاد ندارم که در کجا خواننده‌ام ولی یقین دارم گفتار یکی از حکیمان بزرگ چین است که گفته است: «روزی اگر زمام اصلاح جامعه را به من بسپارند، نخست زبان ایشنان را اصلاح می‌کنم.» گویا مقصود او نشان دادن همین رابطه استبداد اجتماعی و شناور شدن زبان است... هر قدر جوامع برخوردار از اندیشه دموکراسی باشند زبانشان از شناوری‌های تند بر کنار است و هر قدر استبدادی باشند به همان میزان زبان‌هاشان شناور است. هر کس با شعر فارسی کوچک‌ترین آشنایی داشته باشد و مداخل رودگی را با مداخل فرخی و مداخل فرخی را با مداخل نوری سنجیده باشد، شناور شدن

کلمات را از حوزه قاموسی آن‌ها در مسیر این سه دوره تاریخی آشکارا مشاهده خواهد کرد: در شعر رودکی تجاوز به حدود کلمات بسیار اندک است، زیرا جامعه سامانی جامعه‌ای است تا حد زیادی برخوردار از قانون و آزادی... در تاریخ اجتماعی ایران، عصر سامانی و به ویژه در قلمرو فرمانروایی سامانیان کمتر نشانه‌ای از زورگویی‌های اجتماعی دوره غزنوی وجود دارد و با همه استبداد غزنویان استبداد مذهبی سلاجقه بسی بی‌رحمانه‌تر از استبداد غزنویان است... می‌توان با آمار نشان داد که شناوری کلمات در فاصله عصر سامانی تا سلجوقی به اوج خود می‌رسد. شناور بودن زبان هیچ ربطی به زاینده‌گی زبان ندارد، شک نیست که زبان انگلیسی در عصر حاضر -به دلیل هزار عامل فرهنگی و

اگر به محیط زندگی مردم جامعه و رسانه‌های کشور انگلستان دقت کنید مُحال است کسی را که «دکتر» نیست در خطاب -خواه کتبا و خواه شفاهاً- «دکتر» بخوانند یا کسی را که «مهندس» نیست مهندس بنامند. غرض یادآوری این نکته است که در جامعه برخوردار از دموکراسی، کلمات را به‌راحتی نمی‌توان شناور کرد. کلمات مانند انسان‌ها حیثیت خاص خود را دارند و کلّ جامعه است که می‌تواند در باب سرنوشت مفهومی کلمات تصمیم بگیرد. بنابراین اگر کسی «کشیش» است شما در چنان جامعه‌ای نمی‌توانید به‌راحتی او را «اسقف اعظم» یا بالاتر خطاب کنید. هم او ناراحت می‌شود و هم جامعه شما را از بابت تجاوز به حدود کلمات مورد شتماتت قرار خواهد داد. بر همین قیاس کلماتی از نوع «استاد» و «دانشمند» و «فیلسوف» و امثال آن. اما در جامعه استبدادی مسائل برعکس جریان دارد. شما جای هر کلمه را با همسایه‌های آن و با مدارج بالای آن به‌راحتی می‌توانید عوض کنید. نه مخاطب شما از این بابت احساس شرمساری خواهد کرد و نه جامعه شما را مورد انتقاد قرار خواهد داد که این کسی را که تو مثلاً فلان عنوان را به او داده‌ای، او دارای چنین مقامی نیست. تجاوز در حریم کلمات در جامعه استبدادی چنان راحت انجام می‌شود که خیلی به‌آسانی می‌توان کلمه «پاپ» را -که مفهومی منحصر به فرد و هیچ‌گاه در تاریخ دو تا نبوده است- اندک‌اندک بر هر دربان و کشیشی، اطلاق کرد و این تجاوز به حدود کلمات را تا آن‌جا گسترش داد که در هر روستایی چندین پاپ در عرض هم وجود داشته باشند... همان‌طور که در جامعه استبدادی می‌توان به حقوق افراد تجاوز کرد به حدود کلمات هم می‌توان تجاوز کرد، و همان‌طور که در جامعه برخوردار از آزادی

ایران؛ یکی از غنی‌ترین و قدیمی‌ترین تمدن‌های دنیا



البته اخلاق‌های بدی نیز دارند. ایران کشوری بسیار بزرگ و وسیع است و دارای گردشگری پیشرفته‌ای است و بسیار جذاب است. به‌طور مثال ایرانی‌ها خیلی از کارها و امور را راحت می‌گیرند. دیر آمدن یا زود آمدن بر سر قرارها و مراسم‌ها برایشان هیچ اهمیتی ندارد این در حالی است که برای ما مهم است. من بارها شاهد آن بودم که مراسم‌ها، همایش‌ها و حتی قرارهای رسمی با تأخیر برگزار شده‌اند. ایرانی‌ها با این مسئله هیچ مشکلی ندارند و خیلی راحت از آن عبور می‌کنند اما وقت‌شناسی برای ما خیلی مهم است و درک این موضوع برایمان سخت است و عصبانی می‌شویم. ایرانی‌ها بسیار تعارف می‌کنند اما چنین چیزی در فرهنگ ما تعریف نشده. برخی مواقع این تعارف‌ها موجب ناراحتی ما می‌شود. شاید برای ایرانی‌ها مشکلی نباشد اما بین خارجی‌ها مشکل به وجود خواهد آمد اما در کل ایرانی‌ها خیلی مهربان هستند و کمتر عصبانی می‌شوند اما ما خیلی زود عصبانی می‌شویم.

قرار بگیرد. فرش و قالی ایران در میان مردم ما بسیار معروف است. مردم کشور من به تاریخ بسیار علاقه‌مند هستند و میناکاری، کاشی‌کاری و سایر صنایع دستی‌های ایرانی برایشان جذاب است. معماری زیبایی ایران نیز یکی دیگر از جاذبه‌هایی است که می‌تواند گردشگران زیادی را جذب کند. در عین حال همنشینی با مردم ایران نیز برای مردم کشور من جذاب خواهد بود تا بدانند مردم ایران چگونه هستند. مردم ایران بسیار راحت هستند و خوب زندگی می‌کنند. تمدن و فرهنگ غنی دارد و میراث به آیندگان به ارث می‌رسد و از بین نمی‌رود. مردم ایران سعی می‌کنند تا از میراث‌شان محافظت کنند و زبان فارسی نیز یکی از میراث‌هایی است که مردم ایران آن را پاس می‌دارند و محافظت از زبان فارسی به عنوان میراثی کهن است. ایرانی‌ها مهمان‌نواز هستند و اهل دعوا و مرافعه نیستند. آمد اما در کل ایرانی‌ها خیلی مهربان هستند و کمتر عصبانی می‌شوند اما ما خیلی زود عصبانی می‌شویم.

گلزانه عبدالخالق قیزی، ایران‌شناس قرقیزستانی معتقد است: ایران کشوری با تمدن کهن است و می‌توان از آن به عنوان یکی از غنی‌ترین و قدیمی‌ترین تمدن‌های دنیا نام برد. تمدن ایران و میراث جهانی آن که در یونسکو به ثبت رسیده، برای همه گردشگران بسیار جذاب است. این ایران‌شناس از کشور قرقیزستان است که در مقطع کارشناسی ارشد رشته ایران‌شناسی در دانشگاه شهید بهشتی تحصیل می‌کند. قرقیزستان از جمله کشورهای آسیای مرکزی است که جمعیت آن در سال ۲۰۱۹ میلادی حدود ۲/۶ میلیون نفر برآورد می‌شود تنها کشور در آسیای مرکزی است که زبان روسی را در کشورهای خود به عنوان زبان رسمی نگه داشته‌اند. زبان قرقیزی از شاخه زبان‌های ترک‌تبار است. عبدالخالق قیزی لیسانس خود را در رشته روابط بین‌الملل دریافت کرده است با توجه به آنکه بخش شرق شناسی در این رشته وجود دارد، از میان کشورهای منطقه شرق شناسی، ایران را برای ادامه تحصیل انتخاب کرد چراکه دانستن درباره ایران برایش بسیار جالب بود. او در این باره می‌گوید: هیچگاه موفق نشده بودم ایران را چه به لحاظ فرهنگ و مردم و چه به لحاظ زبان، به درستی بشناسم؛ اطلاعات ما در این باره بسیار کم بود از این رو بین ژاپن، کره، چین و سایر کشورهای شرقی، ایران را برای مطالعه انتخاب کردم. در تاریخ ما نوشته می‌شود پرشیا و فقط از ایران در این حد می‌دانستیم اما اکنون شناختی پیدا کرده‌ام که هیچگاه به این شناخت دست پیدا نکرده بودم. این ایران‌شناس، حدود سه سال است که در ایران زندگی می‌کند، در تهران درس می‌خواند و به شهرهای شمالی کشور، یزد، شیراز و مشهد سفر کرده است. به گفته او، مردم کشور من درباره ایران تا این اندازه می‌دانند که یک کشور اسلامی است و در میان کشورهایمانند افغانستان، پاکستان

و عراق قرار دارد؛ تصورشان بر آن است که این منطقه درگیر جنگ است و خیلی از مسائل آن در محافظه‌کاری و رمز و راز وجود دارد. در عین حال به دلیل آنکه ایران در کنار کشور عراق و افغانستان قرار دارد، در نگاه نخست این جنگ است که در ذهن مخاطب تداعی می‌شود. البته افرادی هم هستند که درباره واقعیت‌ها جستجو می‌کنند و متوجه می‌شوند که ایران در صلح است و جنگ در آن نیست. اما از آنجایی که نام انگلیسی ایران (IRAN) و عراق (IRAQ) تقریباً همسان است و هر دو کشور اسلامی هستند و مسلمانان در آنجا زندگی می‌کنند در عین حال هر دو کشور با آمریکا چالش دارند و تمام این شباهت‌ها سبب شده تا این دو کشور را یکی بدانند. از آنجایی که در عراق جنگ با برخی گروه‌های تروریستی است، تصورشان بر آن است که ایران هم در جنگ است. در قرقیزستان دانشگاه و کتابخانه ایرانی داریم و در چند دانشگاه زبان فارسی تدریس می‌شود. هر چند این فعالیت‌ها زیاد است اما به گونه‌ای نیست که عموم مردم جامعه با زبان فارسی و ایران آشنا باشند و این آشنایی، فقط قشر خاصی از جامعه ما را دربرمی‌گیرد. برای مردم ایران و سرزمین ایران خوبی‌ها را آرزو می‌کنم. امیدوار هستم همیشه صلح برقرار باشد و مردم بدون دغدغه و مشکلات زندگی کنند. ایران کشوری با تمدن کهن است و می‌توان از آن به عنوان یکی از غنی‌ترین و قدیمی‌ترین تمدن‌های دنیا نام برد. فکر می‌کنم که تمدن ایران و میراث جهانی شما که در یونسکو به ثبت رسیده است برایشان بسیار جذاب باشد. در عین حال ایران دارای زبانی شیرین است و اشعاری که به زبان فارسی سروده شده‌اند بسیار جذاب و دلنشین هستند. صنایع دستی ایران یکی دیگر از جاذبه‌هایی است که می‌تواند مورد اقبال مردم دیگر کشورها و البته مردم قرقیزستان

ماهنامه خوش اخلاق ها و خوش ذوق ها

در حوزه اجتماعی و اقتصادی

اقتصادیک

اقتصادیک

اقتصادیک

اقتصادیک

کوروش پادشاهی برجسته بود که حقوق انسان‌ها را محترم می‌شمرد. نسل‌کشی‌های امروز در سوریه و میانمار اهمیت مدارای کوروش با پیروان ادیان را نشان می‌دهد.کوروش بنیان‌گذار نهاد دولت به مفهوم امروزی است. شخصیت کوروش بزرگ، نمونه یک شاه آرمانی و یک سیاستمدار قانون‌مدار و انعطاف‌پذیر تاریخی‌ست که می‌تواند سرمشق بسیار خوبی برای دنیا باشد تقریباً در تمامی کتب ادیان ابراهیمی و آسمانی از او با نامی نیک یاد شده‌ است، امری به غایت ممتنع در بیان و ناهموار در نگارش به شمار می‌آید. «پیامبرشاهی» که نه چون داوود نبی (ع) و سلیمان (ع)، فرمانروایی‌اش به زعامت یک قوم محدود شود بلکه به روایت کنزاس یونانی، بر نیمی از سرزمین‌های شناخته شده آن روزگار بدون کوچکترین تنشی حکمرانی می‌کرد. دست‌آورد این مسامحت حقوق بشری توأم با اقتدار سیاسی، بنا نهادن بزرگترین امپراتوری تاریخ بود که بیش از دو و نیم سده بر سرزمین‌های پهناوری در آسیا، شمال آفریقا و شرق اروپا پابرجا بود و به‌رغم بی‌کفایتی برخی از جانشینانش، همچنان، کوروش به عنوان پدر ملت برای ایرانیان، به یادگار مانده بود و حتی پس از فروپاشی شاهنشاهی هخامنشیان، اشکانیان و ساسانیان با استفاده از انتساب (احتمالاً ساختگی) به هخامنشیان و کوروش، نظام سیاسی نوبنیاد خود را بنها نهادند. پس از آن نیز کوروش علاوه بر بازنامی به عنوان سیمای شاهی آرمانی، به عارف ـ حکیمی خضرتاجم و مسیح‌صفت با نام ذوالقرنین بدل شد که مخزن بازخوانی حکمت‌های کهن در



استاد علوم سیاسی دانشگاه وندرپیت تاکید کرد: کاهش تعهدات برجامی ایران شرایط را برای نجات برجام سخت می‌کند.توماس آلان (Thomas Alan) استاد علوم سیاسی دانشگاه وندرپیت آمریکا است. حوزه تخصصی او مطالعات اروپا و سیاست خارجه آمریکا است. نظرات خود را در مورد تنش در خاورمیانه بیان کرده است.

احتمال جنگ کاهش یافته است: تحلیل از تنش خلیج فارس این است که از ماه ژوئن، زمانی که احتمال واقعی جنگ وجود داشته است، بسیار کاهش یافته است. به نظر می‌رسد که هر دو طرف از جنگ عقب رفته اند. این تنش‌ها ناشی از ترکیبی تحریم‌ها و فشارهای آمریکایی و تلاش‌های ایالات متحده برای مجبور کردن ایران به عقب نشینی از کمک به نزدیکان خود در منطقه بود. خصومت با ایران باید پایان یابد: نکته جالب توجه این است که بعد از چهل سال از زمان تسخیر سفارت ایالات متحده توسط ایران و گروگان‌گیری دیپلمات‌ها میان این دو کشور هیچ نوع دوستی و آشتی صورت نگرفته است. اکنون ایالات متحده با ویتنام

بنیان‌گذار نهاد دولت به مفهوم امروزی

میان ایرانیان مسلمان و غیرمسلمان باقی ماند.

پروفسور «سوزان پیر اسلیموویچ لویان» استاد مطالعات ایران دانشگاه ییل، پیرامون شخصیت و کامیابی‌های کوروش کبیر معتقد است: کوروش یک پادشاه برجسته بود که توانست در بخش‌های وسیعی از جهان، حقوق بشر مبتنی بر احترام به انسان‌ها فارغ از دین، نژاد و جنسیت را محترم شمرد و افراد می‌توانستند آزادانه به کسب و کار، عبادت و زندگی بپردازند و به علت گستردگی این سرزمین‌ها، تجارت برای مردم بسیار تسهیل شده بود و همه کالاهایی که در هند وجود داشت، در مصر نیز قابل تهیه بود و یونانیان می‌توانستند به سادگی از اجناسی که در غرب چین تولید می‌شد، بهره‌مند شوند. معنای ساده این وضعیت این بود که یک حکومت، توانسته بود نظم و ثبات گسترده‌ای در یک گستره وسیع به وجود بیاورد و قوانین تجاری و دینی را تسهیل کند.به قول هروودت، در سرزمین ایرانیان، بیش از سیصد خدا وجود داشت ولی ایرانیان اصل، فقط خدای واحد اهورامزدا را می‌پرستیدند. این تساهل گسترده برای دینداری و آزادی تجارت، در سرتاسر دنیا به عنوان یک آرمان امروزین مطرح است و کشورهای دموکراتیک برای کشورهای توتالیتر یا درگیر آسیب‌های دیکتاتوری. آرزوی دموکراسی‌ای را دارند که حدود سه هزار پیش کوروش برای یهودیان، مردم بابل، سند و پنجاب، لیدی و فینیقیه و سرزمین‌های دیگر به ارمان آورد.طبیعی‌ست که چنین پادشاهی همیشه محبوب باشد و حاکمان کشورهای مختلف بکوشند تا خود را با او تطبیق دهند!این رویکردها، نتیجه یک

احتمال جنگ کاهش یافته

رابطه دوستانه برقرار کرده است و این خصومت با ایران هم باید پایان یابد.

ترامپ باید شرایط را برای مذاکره فراهم کند:بدون مذاکره با ایران ترامپ نمی‌تواند به پیروزی در انتخابات امیدوار باشد. ترامپ جان بولتون را اخراج کرد و به نظر نمی‌رسد مشتاق مقابله با ایران باشد. پیش‌بینی من این است که او برای مذاکره آماده است، اما باید شرایط را برای مذاکره فراهم کند تا زمانی که او شرایط را نادیده می‌گیرد نمی‌تواند به پیروزی در انتخابات امیدوار باشد. ترامپ باید کارزار فشار حداکثری را تعطیل کند:آلان در مورد فشار حداکثری بر ایران گفت: کمین فشار حداکثر به ایران آسیب رسانده است، اما به نظر می‌رسد حامیان این سیاست در کاخ سفید دیگر به اثربخشی این سیاست امیدی ندارند. ترامپ باید به زودی این کارزار را تعطیل کند.

کاهش تعهدات برجامی، تلاش برای لغو تحریم‌ها را سخت می‌کند:وی در مورد کاهش تعهدات برجامی ایران گفت: این اقدام ایران شرایط را برای برداشتن تحریم‌ها سخت کرده است. اروپایی‌ها به حفظ برجام علاقمند هستند و می‌خواهند برجام را حفظ کنند تا دوران ترامپ به پایان برسد و در این صورت با رئیس‌جمهور جدید آمریکا برجام احیا می‌شود. فکر نمی‌کنم اروپا تأثیر زیادی روی ترامپ داشته باشد. من فکر می‌کنم وی بیشتر تحت تأثیر نظرسنجی‌های افکار عمومی در حوزه انتخابیه آمریکا قرار گرفته است و این نشان دهنده عدم تمایل به هر نوع جنگ در خاورمیانه است.فکر نمی‌کنم که جلسه ترامپ و روحانی پیش

پدیده‌ای به نام مصیبت تامین مسکن

مشکل آنقدر زیاد شده که کارگران توان پرداخت اجاره خانه را ندارند آنهم در تهران به طور متوسط خانه‌ها با متراژ ۱۳ میلیون معامله می‌شوند و خانه‌های لوکس و لاکچری تا متری ۶۰ تا ۷۰ میلیون نیز خرید و فروش می‌شوند. تورم بیش از ۱۰۰ درصدی در حوزه مسکن باعث شده تا کارگران و بانزنشنگان حداقل‌بگیر با مشکل تامین مسکن روبرو باشند. مشکل آنقدر زیاد شده که حتی کارگران توان پرداخت اجاره خانه را ندارند. در تهران به طور متوسط خانه‌هایی با متراژ ۱۳ میلیون معامله می‌شود، اما خانه‌های لوکس و لاکچری تا متری ۶۰ تا ۷۰ میلیون و گاها خیلی بیشتر نیز خرید و فروش می‌شوند.طبق گزارش بانک مرکزی متوسط قیمت خرید و فروش یک متر مربع زیربنای واحد مسکونی معامله شده از طریق بنگاه‌های معاملات ملکی شهر تهران۱۲ میلیون و ۷۲۰ هزار تومان بود که نسبت به ماه قبل و ماه مشابه سال قبل به ترتیب ۰.۴ و ۴۷.۷ درصد افزایش نشان می‌دهد. در نتیجه همین مسئله تعداد معاملات آپارتمان‌های مسکونی نسبت به ماه مشابه سال قبل کاهش داشته‌است.این در حالی است که اسمتزد حق مسکن کارگران با یک افزایش ۶۰ هزار تومانی به ۱۰۰ هزار تومان رسید. اگر پرداخت یک سوم دستمزد کارگران بابت اجاره خانه را معقول ارزیابی کنیم، این مقدار برابر با هشت میلیون تومان رهن خانه خواهد بود که الان محل‌هایی مثل نواب نیز قیمت خانه‌های چهل متری بیش از هفتاد میلیون تومان است. این رقم خود نشان‌دهنده وضعیت نابه‌سامان بازار مسکن است. کارگران پولی بابت پرداخت اجاره بهای خود ندارند و این مسئله در سال‌های آتی

۳



آلمانی هم در اشعار خود به نام آئینه طلایی، حکومت فریدریک کبیر در اروپا را حکومت جدید کوروش دانسته بود. نقاشی‌های بسیار زیادی نیز از کوروش وجود دارد که مضاف بر نقاشی‌های کلیسایی که پیرامون وی به تصویر درآمده است.بیش از ۱۰ ابرای معروف در قرن هجدهم و نوزدهم در رابطه با کوروش کبیر در آلمان و ایتالیا ساخته شد. او بر بسیاری از رمان‌نویسان جهان هم اثر گذاشت. در رابطه با اثرگذاری کوروش بر ساختارهای حقوقی هم، شاید این حرف توماس جفرسون رئیس‌جمهور ایالات متحده را درباره نقش اساسی آرای حقوق بشری کوروش برای تدوین قانون اساسی آمریکا باید یاد کنیم که در آن زمان، آمریکایی‌ها در قیاس میان منشور کوروش و آثار ماکیاولی برای تدوین قانون اساسی کشورشان، کوروش را ترجیح دادند.شخصیت کوروش بزرگ، نمونه یک شاه آرمانی و یک سیاستمدار قانون‌مدار و انعطاف‌پذیر تاریخی‌ست که می‌تواند سرمشق بسیار خوبی برای دنیا باشد.

کوروش کبیر، پادشاه ساسانی

کوروش کبیر، پادشاه ساسانی

کوروش کبیر، پادشاه ساسانی

از انتخابات آمریکا اتفاق بیفتند. اما اگر ترامپ مجدداً انتخاب شود و به روحانی پیشنهادی برای گفت‌وگو درباره توافق جدید ارائه دهد، تعجب‌آور نیست.

ایران منتظر پایان دوران ترامپ بماند:آلان در ادامه در مورد مذاکره میان ایران و آمریکا گفت: ایران می‌تواند با آمریکا مذاکره کند اما بهتر است تا پایان دوران ترامپ صبر کند.

ایران مانند کره شمالی نیست:ایران می‌تواند توافق خوبی از ترامپ بگیرد. مذاکره با کره شمالی بی نتیجه بود اما ایران می‌تواند توافق خوبی از ترامپ بگیرد.تنها در صورت حمله ایران به اسرائیل احتمال جنگ وجود دارد. جنگ میان ایران و آمریکا بعید است. مگر اینکه ایران و یا متحدان ایران به اسرائیل حمله کنند. این تنها عملی است که آمریکا را به جنگ با ایران ترغیب می‌کند. پاکستان کشور مورد اعتمادی نیست: من شک دارم عمران خان میانجی خوبی باشد. پاکستان کشور مورد اعتمادی نیست.مصالحه میان ایران و عربستان وضعیت خاورمیانه را تغییر می‌دهد.مصالحه میان ایران و عربستان می‌تواند وضعیت کل منطقه را تغییر دهد این احتمال وجود دارد. اما ایران باید امتیازاتی از عربستان در مورد یمن بگیرد.مردم در عراق و لبنان از فساد و دولت خود ناراضیتی دارند و خواهان شرایط بهتری هستند.

قتل بغدادی نمی‌تواند مانعی برای استیضاح باشد: قتل بغدادی نمی‌تواند مانعی برای استیضاح ترامپ باشد، ترامپ استیضاح خواهد شود اما مجدداً بار دیگر به کاخ سفید باز می‌گردد.مهم‌ترین آزمون او انتخابات سال آینده است.

در اقتصاد ایران

گوشت سگ توزیع نکنید!

گوشت سگ حرام است و هیچ کس از جمله سیاست‌گذار و مجری حق توزیع گوشت سگ ندارند. مشروب الکلی و گوشت خوک هم حرام‌اند و نباید توزیع کرد؛ اصلا هر چیزی مثل گوشت سگ که حرام است، بالاخص در کشور اسلامی، نباید توزیع کرد.خدا حکمت‌اش را می‌دانسته که خرید و فروش، توزیع و مصرف گوشت سگ را حرام کرده است. شما چه می‌دانید شاید گوشت سگ سرطان می‌آورد، آدم‌ها را افسرده و ناامید می‌کند، برخی را متوهم می‌کند یا به تخریب محیط‌زیست می‌انجامد. حکمرانی اقتصادی و سیاسی ما اما چیزی توزیع می‌کند که از گوشت سگ هم خطرناک‌تر است.

رانت:رانت یعنی قیمت دلار در بازار به ۱۴ هزار تومان رسیده و کماکان قرار است ۱۴ میلیارد دلار ارز با قیمت ۴۲۰۰ تومان توزیع شود به این بهانه که گوشت به قیمت ارزان به دست مردم برسد، اما گوشت کیلویی ۱۲۰ هزار تومان است. مابه‌التفاوت ارزش تومانی ۱۴ میلیارد دلار ارز ۴۲۰۰ تومانی تا ۱۴۰۰۰ تومانی معادل ۱۳۷ هزار میلیارد تومان است؛ و حتی اگر با ارز ۹۰۰۰ تومانی (نیمایی) هم حساب کنیم ۶۷ هزار میلیارد تومان است.رانت یعنی ارز ۴۲۰۰ تومانی توزیع می‌شود اما کاغذ برای چاپ کتاب در آستانه نمایشگاه کتاب تهران به هر واحد ۴۰۰ هزار تومان و بیشتر رسیده است در حالی که‌از فروردین سال ۱۳۹۷ میلیاردها دلار ۴۲۰۰ تومانی توزیع شده و قرار بوده واردات ارزان دست بگیرد. کار به جایی رسیده که برخی ناشران به زینک (ماده اولیه چاپ کتاب) هم دسترسی نداشته‌اند و کتاب‌ها دیجیتال چاپ شده‌اند و قیمت کتاب‌ها افزایش یافته است.رانت یعنی قریب ۹۰۰ هزار میلیارد تومان (یازده میلیون و دویست‌وپنجاه هزار تومان به ازای هر ایرانی) در قالب انواع یارانه پنهان بنزین، برق، گاز، آب، خرید محصولات کشاورزی، و … در بودجه، و به شکلی کاملاً نرابراب توزیع می‌شود، و در همان حال کسری بودجه دولت عمدتاً به صورت تورم دو رقمی بر مردم تحمیل می‌شود. ثروتمندان هم از یارانه پنهان بیشترین بهره را می‌برند و هم از محل تورم و افزایش ارزش ریالی دارایی‌های‌شان، فاصله ثروت خود با اقشار ضعیف را بیشتر می‌کنند.رانت یعنی ۹۰۰ هزار میلیارد تومان (۲۰ برابر کل یارانه نقدی پرداختی در یک سال) در قالب یارانه پنهان هزینه می‌شود، اما نظام حمایت اجتماعی قادر نیست از فقیرترین طبقات، معلولان، زنان بدسرپرست و بی‌سرپرست، کودکان یتیم و … به خوبی حمایت کند.رانت یعنی صدها میلیون لیتر سوخت در روز و شاید بیش از آن گاز و برق، به شکل ناکارآمدی سوخته می‌شود تا آلودگی آن رگ و ریشه مردم در دن‌رورد و انواع بیماری و سرطان – شاید چیزی عین عوارض خوردن گوشت سگ – دودمان زندگی مردم را بسوزاند.رانت یعنی فقدان سیاست اقتصادی درستی که منابع آب، استفاده غیربهره‌ور از منابع سوخت فسیلی شود و جلوی بهره‌برداری افراطی از منابع آب، خاک و هوای این سرزمین را بگیرد. رانت است که پول‌های بادآورده به بار می‌آورد و توهم برای فرادستان و قدرتمندان ایجاد می‌کند. برخی اقتصاددانان نشان داده‌اند که چگونه توزیع این رانت‌ها از مسیر نقدینگی، به هم ریختن انضباط مالی و پولی، تضعیف بنیان‌های اقتصاد بخش‌های زیرساختی نفت، برق، آب و بودجه‌های عمرانی، و ده‌ها مسیر دیگر، اقتصاد را فرومی‌باشند و مردم را عصی، ناامید و افسرده می‌سازند.حوصله‌ام نمی‌آید بیشتر توضیح بدهم. راست‌اش را بخواهید رانت از گوشت سگ هم حرام‌تر و عوارض‌اش بیشتر است. گوشت سگ هر عارضه‌ای داشته که خداوند آن‌را حرام کرده، رانت ارز ۴۲۰۰ تومانی و یارانه پنهان در بودجه، عوارض‌اش از گوشت سگ هم بدتر است. توزیع آن را متوقف کنید، یا اقلاً توضیح دهید خیلی شفاف که این چه توزیع می‌کنید اندازه گوشت سگ حرام نیست و ضرر ندارد. تورم خیلی وقت است دورقمی شده و رشد اقتصادی منفی هم رو به سوی دو رقمی شدن دارد. آیا این آمار و ارقام برای دست کشیدن از سیاست‌های توزیع رانت و هم‌زمان تمهید کردن نظام حمایت اجتماعی کارآمد کافی نیست؟ این مطلب را مانوشتم محمد فاضلی جامعه‌شناس ایرانی، استادیار دانشگاه شهیدبهشتی نوشت.

مکمل های ضروری افزایش قیمت بنزین

حجت‌الاسلام والمسلمین محمد جعفر

منتظری دادستان کل کشور گفت: برای بین بردن جرم باید دستگاه قضایی از آلودگی میرا باشد و هیچ تعارفی هم با هیچ‌کس در هیچ سمتی نیست به‌طور مثال روز گذشته پنج قاضی فاسد را از دستگاه قضا جدا کردیم.امروز در جبهه‌های مختلف اقتصادی، فرهنگی و نفوذ در حال نبرد و جنگ با دشمن هستیم و دشمن به‌دلیل خوردن ضربه کاری از نظام جمهوری اسلامی ایران با تمام توان به میدان آمده اما ما باید در این جنگ نیز مانند دفاع مقدس پیروز میدان باشیم.

وی با اشاره به اینکه دادستان‌ها و مسئولان قضایی باید مشکلات واحدهای تولیدی را برطرف کنند، گفت: در زمان جنگ تحصیلی در تحریم کامل بودیم و حتی سیم خاردار نیز گذاشتیم اما امروز به‌واسطه وجود رهبری فرزانه و حضور جوانان پرتوان در صحنه‌های مختلف، دنیا را به تحیر واداشتیم.ام. دستگاه قضا از زمان تشکیل شورای عالی اقتصاد توسط مقام معظم رهبری در حوزه اقتصاد نیز ورود کرده است و مسئولان دستگاههای اجرایی هم باید در این عرصه جهادگونه ورود کنند و هیچ بهانه‌ای در حوزه اقتصاد کشور وجود ندارد.دستگاههای اجرایی باید مشکلات اجرایی‌ی را حل‌وفصل کنند و رفع موانع از جمله بوروکراسی اداری و قوانین و مقررات دست‌وپاگیر به‌عهده دستگاه‌های اجرایی است اما در این حوزه کندی کار وجود دارد. سمت‌ها و پست‌ها می‌گذرد و برای هیچ یک از ما دوام ندارد از این رو باید از فرصت‌ها استفاده و خالصانه خدمت کرد.دادستان به‌عنوان مدعی‌العموم وظایف بسیاری دارد که مردمداری و تکریم ارباب رجوع، نظارت مستمر و مدیریت‌شده بر همه دادستان‌های استان، نظارت بر ضابطان قضائی و اهتمام لازم برای صیانت از حقوق عامه و حضور در صحنه‌ها از آن جمله است.نظارت بر زندان و زندانیان، جلوگیری از بازداشت‌های غیرضرور و مدیریت صحیح در صدور قرارها، تلاش برای حل‌وفصل دعایو، برخورد کافی با سرقت و سارقان که امنیت را از جامعه گرفته‌اند و بازاجتماعی کردن زندانیان از دیگر وظایف دادستان‌هاست.

برای از بین بردن جرم باید دستگاه قضایی از آلودگی میرا باشد و هیچ تعارفی هم با هیچ‌کس در هیچ سمتی نیست به‌طور مثال روز گذشته پنج قاضی فاسد را از دستگاه قضا جدا کردیم.بیش از ۱۱ هزار قاضی در دستگاه قضا فعالیت می‌کنند و باید اجازه جولان از تعداد اندکی که باعث بدنامی می‌شوند گرفته شود و دستگاه قضایی، وکلا و کارشناسان از وجود افراد ناپاک، پاکسازی شوند.



تحلیلیات

دیوار انحصار وکالت ترک برداشت

با تغییر ظرفیت پذیرش به حد نصاب علمی در آزمون وکالت اولین تَرک‌ها بر دیوار انحصار وکالت ظاهر شد. ادامه این رویکرد انقلابی می‌تواند پایانی باشد برای انحصارگری در بازار خدمات حقوقی. هدف از برگزاری آزمون وکالت این است که افرادی که دارای صلاحیت هستند؛ وارد بازار وکالت شوند. از این رو معیار پذیرش باید به شیوه‌ای باشد که هر فردی که حداقل صلاحیت علمی را دارا بود پذیرفته شود اما اعمال محدودیت عددی بر روی آزمون وکالت و واگذاری آن به ذی نفعان در حرفه وکالت باعث شده تا بسیاری از متقاضیان آزمون وکالت علی‌رغم برخورداری از صلاحیت علمی موفق به قبولی در آزمون وکالت نشوند. بنابراین می‌توان گفت که ابراد اصلی در برگزاری آزمون نیست، بلکه در معیار نادرستی است که برای پذیرش در آزمون تعیین شده است.

وکیل در ایران کم است:در ایران به ازاه هر ۱۰۰ هزار پرونده ۷۶ وکیل وجود دارد اما این آمار برای کشورهای جهان به طور متوسط ۲۴۰ وکیل به ازاه هر ۱۰۰ هزار پرونده است که این آمار به خوبی تعداد کم وکلادر کشور را نشان میدهد. انحصار در روند صدور پروانه وکالت موجب شده است که کشور با کمبود وکیل مواجه شود. شیوه برگزاری آزمون وکالت به صورتی است که تنها سه یا چهار درصد شرکت کنندگان دراین آزمون پذیرفته میشوند.انحصار در هر بازاری اتفاق بیفتد موجب میشود که قیمت درآن بازار به شدت افزایش یافته و کیفیت محصول و یا خدمت ارائه شده به شدت کاهش یابد. اتفاقی که در بازار وکالت نیز شاهد وقوع آن هستیم. انحصار در این بازار موجب شده که دستمزد وکلاسر به فلک بکشد. دستمزدهای نجومی وکلا موجب شده که مردم نتوانند به وکیل مراجعه کرده و از خدمات حقوقی استفاده کنند. بسیاری از پرونده‌های قضایی به دلیل بی اطلاعی مردم از مسائل حقوقی شکل میگیرند درصورتی که اگر دستمزد وکلا کاهش بیابد مراجعه نمودن مردم به وکیل میتواند جلوی تشکیل بسیاری از پروندههای قضایی را بگیرد. انحصار علاوه بر افزایش بیش از اندازه دستمزد وکلا موجب کاهش کیفیت خدمات حقوقی ارائه شده از طرف وکلا میشود. وقتی تعداد وکلا محدود باشد چون وکلارقیبان زیادی ندارند؛ انگیزه‌ای نیز برای ارائه با کیفیت خدمات حقوقی نخواهند داشت.رقابتی شدن بازار وکالت و اینکه محدودیتی بر سسر راه افزایش تعداد وکلا وجود نداشته باشد، موجب ایجاد رقابت میان وکلا شده که این مسئله کاهش دستمزد وکلا و همچنین افزایش کیفیت خدمات حقوقی ارائه شده توسط آنها را به همراه خواهد داشت. کاهش دستمزد و افزایش کیفیت باعث می– شود که دسترسی مردم به وکیل و خدمات حقوقی در سطح جامعه افزایش یابد. درصورت وجود رقابت میان وکلا به طور طبیعی وکیلی که خدمات با کیفیتی ارائه ندهد از بازار وکالت کنارگذاشته خواهد شد.

اولین قدم برای شکست انحصار:در ۱۷ شهریور اولین قدم برای شکستن انحصار بازار وکالت برداشته شد. علی بهادری چهرمی، رئیس مرکز مشاوران قوه قضاییه در نشست خبری با خبرنگاران در پاسخ به سوالی در خصوص تعداد قبول شدگان در آزمون وکالت اظهار کرد:«ظرفیت مشخصی وجود ندارد و در مرحله اول افرادی که حد نصاب علمی را کسب کنند به مصاحبه دعوت می‌شوند و این مورد که چه تعداد پروانه وکالت داده می‌شود مشخص نیست.»این اقدام مرکز وکلا با استقبال گسترده فارغ‌التحصیلان حقوق و مسئولین مواجه شد. دکتر جلیل محبی، رئیس پیشین بسیج حقوق دانان کشور در این باره گفت:«عقلانیت رئیسی فراتر از حد تصور است. از اقدامات اخیر ایشان این است که حد نصاب برای تعداد وکلا را برداشته و نمره قبولی را سلاک قرارداده‌اند. در سیستم قبلی اگر همه شرکت‌کنندگان در تراز حقوق دانان بزرگ هم بودند؛ باز هم امکان قبولی وجود نداشت یا اگر همگی بی‌سواد بودند باز هم تعدادی قبول می‌شدند.»

اما از سوی دیگر چند روز بعد از انتشار آگهی آزمون مرکز وکلای قوه قضاییه و عده‌ای بر آشفته شدن و نامه پراکنی کردن و خواستار معلق شدن آزمون مرکز وکلا شده‌اند. به عنوان نمونه مرتضی شهبازی نیا رئیس اتحادیه سراسری کانون‌های وکلای دادگستری ایران (اسکودا) در مصاحبه‌ای گفت:«با ملاحظه آگهی آزمون مرکز مرکز وکلای قوه قضاییه مشخص است که تصمیمات اتخاذ شده بیشتر متاثر از رقابت با کانون‌های وکلا است تا اقتضاه مصالح کشور. بر این اساس کانون‌های وکلا طی مکاتباتی با مقامات محترم قضایی درخواست کرده‌اند که با لحاظ شائبه‌های قانونی، پذیرش کارآموز وکالت در این مرکز تا تعیین تکلیف طرح‌هایی که در مجلس در حال بررسی است، معلق بماند. »

رئیس مرکز وکلای قوه قضائیه هم در واکنش به این اظهارنظرها خطاب به داوطلبان و متقاضیان شرکت در آزمون وکالت این مرکز گفت: «آزمون وکالت مرکز وکلای قوه‌قضائیه به هیچ وجه تعلق نمی‌شود و متقاضیان به فضاسازی‌های صورت گرفته توجهی نکنند و فقط برای آزمون آماده شوند.» با ادامه این رویکرد در آینده نزدیک شاهد ورود وکلای جوان تازه نفس و کاهش دستمزدهای نامتعارف در بازار وکالت، افزایش دسترسی مردم به خدمات حقوقی و کاهش پروندههای قضایی خواهیم بود.

این مطلب را ما نوشتمیم فاطمه موسوی در مطالبات زنان نوشت.

کفش انتخابات پوشید

احمد خورشیدی، پدر داماد احمدی‌نژاد گفته است که ائتلافی تحت عنوان «جبهه سوم» با حضور دوازده تشکل سیاسی با محوریت خودش در تهران اعلام موجودیت کرده است.

خورشیدی گفته که هدفش برای انتخابات زمستان آتی شکستن ساختار قدیمی و دوقطبی (اصولگرا و اصلاح‌طلب) است. خورشیدی که خودش را دبیرکل جهادگران ایران اسلامی معرفی کرده، گفته است: «وقتی که فضای دوقطبی حاکم باشد، همه ارزش‌ها لباس سیاه یا سفید بر تن دارند و شما نمی‌توانید رنگ دیگری را متصور شوید.

در چنین شرایطی برای حل مسائل و مشکلات اساسی کشور راه‌حلی‌های افراطی و تفریطی را نسخه می‌کنند که هر دو مضر است و آسیب می‌زند و به راه‌حل معقولی اجازه مطرح‌شدن نمی‌دهند.»و سهم اصولگرا را بیشتر و بیشتر می‌کند.

مطلقاً دروغ است…

وزیر نفت ادعاهای یک نماینده مجلس شورای اسلامی در خصوص ارتباطش با هیکو را «مطلقاً دروغ» عنوان کرد و گفت: «در مورد هیکو بجز اینکه اعلام شده من به مدت یک سال رئیس هیات مدیره بوده ام، همه‌اش مطلقاً دروغ است. در این ارتباط به صورت شخصی و همچنین از طرف وزارت نفت به دادگاه و به هیات رسیدگی به رفتار نمایندگان در مجلس نیز شکایت کرده ایم.چندی پیش علی اکبر کریمی نماینده مسردم اراک گفته بود که زنگنه دوره‌ای رئیس هیات مدیره هیکو و مشاوره مدیرعامل آن بوده و بیش از یک میلیارد و ۵۰۰ میلیون تومان پول دریافت کرده است.به گزارش رسانه‌ها، کریمی همچنین ادعا کرده بود: حامی اصلی عطاریان در خرید هیکو آقای زنگنه بود، آقای زنگنه بعد از فروش این شرکت به آقای عطاریان رییس هیات مدیره هیکو اراک می شود و بر اساس مستنداتی که در اختیار داریم با شرکت قرارداد بسته و مبلغی حدود یک و نیم میلیارد تومان از این شرکت دریافت می کند.

انتقال آب از خزر موجب آبدانی سمنان و هیچ جای دیگر نخواهد شد، این دریاچه امانتی است که باید برای آیندگان حفظ شود.طرح انتقال آب خزر به فلات مرکزی ایران طرحی است ضد محیط زیست و ضد توسعه پایدار. اجرای این طرح خطرات جدی در ابعاد مختلف برای کشور ایجاد می‌کند، خزر که یک دریاچه باستانی محصور در خشکی است پس نباید آب آن منتقل شود تا امنیت ملی کشور به خطر نیفتد.

اینکه مسیر انتقال از کدام طرف باشد، یا پساب و نمک حاصل از شیرین سازی را کجا بریزیم و مردی از این دست، بحث‌های انحرافی است، چرا که طرح انتقال آب از اساس غلط است و مطالعه بر روی آن نیز فقط هزینه‌های کشور را بالا می‌برد. خزر به آبهای آزاد راه ندارد و تنها راه تغذیه آن ریزش‌های جوی، چشمه‌سارها و رودها است. بنابراین دستکاری و انتقال آب آن به خارج از حوزه خیلی سریع این پهنه آبی بسته را با مرگ مواجه می‌کند. اساسا دریاچه‌ها به دلیل محدودیت آبی در برابر دخالت‌های انسانی خیلی زود عکس‌العمل نشان داده و خاموش می‌شوند. به عنوان مثال دریاچه ارومیه فقط به خاطر دخالت‌های انسانی نابود و فلات عبرتی برای کل دنیا شده است. ساخت ده‌ها سد و یا ایجاد راه میانبر بر روی یک دریاچه چه معنایی دارد؟ آنقدر به این دریاچه ستم شده است که اگر بارندگی‌های اوایل سال ۹۸ نبود طوفان نمک کل منطقه را در برمی‌گرفت. مثال دیگر دریاچه آرال است که به سرنوشث محتوم مرگ دچار شده است. اگر خزر هم دستکاری شود به زودی اثری از آن باقی نخواهد ماند. دریاچه خزر به خودی خود دچار مشکل است. انواع دلگی نفتی از سوی روسیه و آذربایجان تهدید جدی برای این پهنه بستی آبی است، به علاوه زه‌آبهای صنعتی، فاضلاب‌های خانگی و بیمارستانی نیز بدون تصفیه وارد این دریاچه می‌شوند. همچنین شیرابه زباله‌ها، کود و سموم شیمیایی که در کشاورزی مصرف می‌شود. این دریاچه را به زودی با بحران جدی‌تری روبرو خواهد کرد. بهتر است دولت کشورهای همسایه دریاچه کاسپین را از این همه خطری که وجود دارد آگاه کند تا این پهنه آبی بسته نابود نشود، زیرا در این صورت میلیون‌ها نفر آواره خواهند شد.تخریب حدود ۱۰۰ هکتار جنگل با ۳۰ هزار درخت بومی با ژنتیک منحصر به فرد، ۱۴۳ هکتار باغ و شالیزار، تخریب و نابودی زیستگاه جانوران و تنوع زیستی، فرسایش خاک و از دست رفتن میلیون‌ها تن خاک حاصلخیز شمال کشور از آسیب‌های زیست محیطی این طرح در مبدا به شمار می‌رود. به طوری که کمیته

۴

مسیری به سوی خاموشی خزر

فنی منابع طبیعی اعلام کرد که طرح انتقال آب خزر به فلات مرکزی بزرگترین تخریب منابع طبیعی کشور به شمار می‌رود.انتقال آب از خزر فاقد مطالعات توان‌سنجی اکولوژیکی، راه‌های جایگزین و مطالعات اجتماعی است، این طرح بسیار گران است و هیچگونه توجیه اقتصادی ندارد. بنا به گفته معاونت دریایی سازمان محیط زیست قیمت هر متر مکعب آب ۱۰۰ هزار تومان است. قطر لوله‌های در نظر گرفته شده ۲ متر است. این لوله‌ها به طول ۵۰۰ کیلومتر باید نصب شود. همچنین برای پمپاژ آب از منفی ۲۸ متر تا مثبت ۲۲۱۳ متر نیاز به احداث ۶ نیروگاه برق برای تولید ۵۰۰ مگاوات برق است، تا بتواند آب ۸ ایستگاه پمپاژ را به ارتفاع ۲۲۱۳ برساند. احداث ۶ نیروگاه تولید برق میلیون‌ها تن گاز گلخانه‌ای وارد محیط می‌کند که خلاف کنوانسیون. آسیب‌های زیست محیطی، اجتماعی و فرهنگی آن آنقدر زیاد است که امنیت ملی را به مخاطره می‌اندازد.این آب موجب آبدانی سمنان و هیچ جای دیگر نخواهد شد. زیرا کویر آب پذیر نیست و سالانه بین ۳ تا ۵ هزار میلی‌متر تبخیر می‌شود. ضمن آنکه آب دریاچه خزر هم قدرت پاسخشگویی به فلات مرکزی را ندارد.خزر امانتی است که باید برای آیندگان حفظ شود.اگر دولت به دنبال آن است که حتما با شیرین‌سازی آب از پهنه‌های آبی، آب مورد نظر فلات مرکزی را تامین کند، بهتر است هرگز به فکر انتقال از خزر نباشد و تامین آب مورد نیاز را از دریای عمان که به آب‌های آزاد دسترسی دارد، در دستور کار قرار دهد . خزر امانتی است که باید برای آیندگان حفظ شود. این مطلب را خدیجه گلین‌مقدم استاد دانشگاه نوشت.

بررسی برنامه‌ریزی اقتصادی صنعتی در دوران پهلوی اول و دوم
در دوران پادشاهی رضاشاه، بخش خصوصی بیشتر درگیر صنایع کوچک و بازرگانی بود. طرح‌های زیربنایی و سرمایه‌گذاری صنعتی، از آن جمله ایجاد خط سراسری راه‌آهن و تاسیس کارخانه‌های نساجی، سیمان، دخانیات و قند را وزارتخانه‌ها و سازمان‌های دولتی برنامه‌ریزی و اجرا می‌کردند. «توسعه اقتصادی» به معنایی که پس از جنگ دوم بر آن مترتب شد، شناخته شده نبود و در نتیجه میان فعالیت‌های اقتصادی دولت یا بخش خصوصی و مفهوم «توسعه»، رابطه مدلل و سازمان‌یافته‌ای وجود نداشت.

با این همه، میان سال‌های ۱۳۰۵ و ۱۳۱۷ نزدیک به ۳۵ درصد بودجه عمومی صرف ایجاد و توسعه صنایع نامبرده و نیز معادن در ایران شد. حکومت رضاشاه مقبولیت خود را

توفیق

ماهانته خوش اخلاقی‌ها و خوش ذوق‌ها در حوزه اجتماعی و اقتصادی

اقتصاددانگ



هزینه کردن آن وجود ندارد و در نهایت، به این نتیجه می‌رسد که فعلا بضاعت مالی، انسانی، تدارکاتی و فنی کشور در سطح یک‌سوم این مبلغ است و در نهایت پیشنهاد خود را براساس مبلغ ۵ میلیارد و ۶۷۹ میلیون تومان تنظیم می‌کند. در این گزارش، منابع تامین نیازها را دولت، بانک ملی ایران، درآمدهای ناشی از فروش اموال دولتی، مشارکت سرمایه‌داران خصوصی و دریافت وام از بانک بین‌المللی معین می‌شود و تاکید شده که کل درآمد ناشی از فروش و صادرات نفت که شرکت نفت انگلیس و ایران انجام و در اختیار دولت قرار می‌دهد، باید در اختیار برنامه قرار داده شود و دولت بودجه عادی کشور را از منابع دیگر مثل مالیات، عوارض راه‌ها و … تامین کند. تنها ۵ درصد از منابع برنامه، مربوط به بخش خصوصی بود و برنامه به‌طور کامل بر دولت تکیه داشت. عمده درآمد دولت

نیز از طریق فروش نفت و استقراض خارجی تامین می‌شد، نه از مالیات. طبق این گزارش، در تقسیم درآمدهای برنامه بین رشته‌های مختلف، اولویت اول به بخش‌های کشاورزی، آبیاری، ایجاد و توسعه راه، راه‌آهن، بندرها و فرودگاه‌ها اختصاص یافته و سپس به بخش‌های صنایع و معادن و خدمات. توزیع منابع بین بخش‌ها از منطبق قابل قبولی مطابق با شرایط آن روز ایران و سهم بخش‌های مختلف اقتصادی در تولید ثروت و رفع نیازهای مبرم ملی برخوردار بود. قانون برنامه اول که در مهرماه ۱۳۲۷ تصویب شد، مشتمل بر مجموعه‌ای از طرح‌ها بود و هدف رشد اقتصادی در آن تعیین نشده بود. در ماده ۱، قانون برنامه عمرانی اول، اهداف این برنامه شامل رشد و توسعه کشاورزی، صنایع و معادن، بهداشت مردم و توسعه راه‌ها و ارتباطات و نیز صادرات محصولات داخلی بود.

بخشی از مقاله‌ای به قلم شادی معرفتی، به نقل از تجارت فردا.

نوم بزرگ

افزایش نرخ ارز با هدف کسب درآمد

حقوق خود را پس‌انداز کنند تا مسکن داشته باشند. مسئله بازی با سیاست‌های تورم‌زا به فسادهای گسترده و سوء تخصیص‌ها نیز انجامیده است و این موضوع را سدسازی‌ها فرودگاه‌سازی‌ها شاهد هستیم بطوریکه براساس برخی گزارش‌ها نزدیک به ۱۰ درصد فرودگاه‌های کشور توجیه اقتصادی دارد.ما همه این تجربه‌ها را کرده‌ایم اما باز مشاهده می‌کنیم که مافیای رسانه‌ای دانما حرکت به سمت این سیاست‌ها را تشویق می‌کند و حالا هم با پشتیبانی نئوکلاسیک‌های وطنی دوباره موجی را به راه انداخته‌اند که بحران تورم ربطی به افزایش نرخ ارز ندارد یعنی آگاهانه فضای ذهنی سیاست‌گذاران را آشوب ناک می‌کنند تا آنچه اتفاق افتاده را به درستی نفهمند.براساس گزارش‌های رسمی با افزایش نرخ ارز و همدلی و همراهی نظام تصمیم‌گیری با آن، ایرانیان در سال ۹۷ به اندازه ۱۰ سال پیش در ترکیه ملک خریداری کرده‌اند و ابراز شگفتی میکردند که این در شرایطی بود که بخش مسکن ایران بیشترین سود سوداگری را داشته است که در ادبیات اقتصادی به آن پارادکس لوکاس می‌گویند یعنی وقتی فضا ناامن باشد سرمایه از وجود باده‌هی بزرگ صرفه نظر کرده و به جای امن می‌رود.در اواخر سال گذشته کمیته امداد امام و سازمان بهزیستی با جهش مراجعه‌کننده مواجه بودند بطوریکه رییس کمیته امداد امام گفته بودند در ۹ ماه سال ۹۷ تقریبا ۶۲۰ هزار نفر بر افرادا تحت پوشش خود افزوده شد. باید توجه داشت که افزایش نرخ بنزین دوباره در شرایطی مطرح میشود که شاخص فلاکت از مرز ۵۰ درصد عبور کرده است در حالیکه متوسط جهانی این شاخص ۱۲ درصد است.در سال ۱۳۹۶ آشفتنگی ناشی از دستکاری قیمت‌های کیدی باعث شد تا تجارت پول به موتور خلق ارزش افزوده تبدیل شود و نسبت سود تعلق گرفته به سپرده‌های بانکی در بازار رسمی پول از مرز ۱۶ درصد گذشته که بالاترین میزان پاداش به تجارت پول در سطح دنیا در آن سال بود و ببینید در این زمینه ما چه ادعاهایی داریم و چگونه عمل می‌کنیم.

اقتصاد ایران و نیز درنظر گرفتن تجربه‌های فاجعه‌ساز در آفریقا و آمریکای لاتین در دهه ۱۹۸۰ در این زمینه هشدار دادیم که البته به واسطه افواگری این سیاست، متأسفانه شنیده نشد. در پنج سال اول پس از تحمیلی گزارش‌هایی که عموما از سوی شیفته‌گان برنامه تعدیل ساختاری تهیه شده بود به فاجعه سازی این سیاست‌ها اشاره شده بود بنابراین استمرار آنها پس از آن زمان دیگر توجیه بینشی نداشت. باید توجه داشت که مهمترین تحول در اجرای این سیاست ترجیح منافع غیرمولد‌ها به منافع فرودستان و تولیدکنندگان بود. همچنین گزارشی که از سوی سازمان برنامه و بودجه برای ارزیابی عملکرد برنامه اول منتشر شد، به صراحتا به نقش این سیاست‌ها در تحمیل بحران مکانیزاسیون کشاورزی اشاره دارد و اینکه افزایش نرخ ارز کشاورزان را در جبران استهلاک ناتوان کرده و آنها را به عصر پیشامدرن پرتاب کرده است.آنهايي که این سیاست‌ها را جذاب می‌دانستند در این توهم بودند که چون دولت به صورت منحصرا عرضه ارز را در اختیار دارد، در صورت جهش نرخ ارز درآمدهای ریالی زیادی نصیب دولت شده و با مازاد بودجه مواجه خواهند شد.

اما براساس گزارش اقتصادی سال ۱۳۷۳ سازمان برنامه و بودجه با پدیده شگفت‌ انگیزی رويه رو شدند. بطوریکه در اثر جهش نرخ ارز شاهد از کارکرد انداختن مالیه دولت بودیم چون شاخص ضمی هزینه‌های مصرفی دولت از سال ۱۳۷۱ تا ۱۳۷۲ بالغ بر ۷۰ درصد رشد داشت در حالیکه نرخ تورم رسمی در همان سال ۲۲.۵ درصد بوده. همچنین براساس این گزارش به ازای یک واحد کسب درآمد، هزینه‌های دولت با نسبت ۳ برابری افزایش داشت. بنابراین این موضوع نشان داد افزایش نرخ ارز با هدف کسب درآمد یک توهم بزرگ است.براساس گزارش سال ۱۳۹۰ وزارت مسکن، در حالیکه استانداردار تهیه مسکن از درآمد ۵ تا ۷ سال بود این رقم برای اقشار فرودست بیش از ۹۰ سال است یعنی این بخش از جامعه باید ۹۰ سال کل

ابرچالش‌ها

خون اقتصاد را می‌مکند

سرمایه‌گذاری در اقتصاد ایران متوقف شده و رشد موجودی سرمایه به صفر گراییده، بودجه عمرانی دولت نیز به تدریج در حال حذف شدن است؛ چون بخش مهمی از منابع کشور صرف کسری صندوق‌های بازنشستگی، مشکلات نظام بانکی و کسری بودجه دولت می‌شود.از منظر اثرگذاری در رشد اقتصادی، ابرچالش‌ها را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد:

دسته اول مساله آب، محیط زیست و بیکاری،دسته دوم سه ابرچالش مالی یعنی نظام بانکی، کسری بودجه و صندوق‌های بازنشستگی.
دسته اول:
احتیاج به سرمایه‌گذاری‌های بسیار بالا دارند. در واقع اگر قرار باشد مشکلات زیست‌محیطی کشور برطرف شود، با توجه به وضعیتی که در مسائل مربوط به آلودگی هوا، ریزگردها و... مشاهده می‌شود.این نیاز به سرمایه‌گذاری عظیمی وجود دارد.عدم سرمایه‌گذاری در این حوزه‌ها منجر به وارد آمدن ضربات جدی به سلامت و رفاه و حیات مردم می‌شود، اما انجام این سرمایه‌گذاری‌ها لزوماً به رشد اقتصادی کمک نمی‌کند.این مساله در مورد آب و بیکاری هم صدق می‌کند.در دو دهه گذشته میزان سرمایه‌گذاری حدود ۳۰

درصد تولید ناخالص داخلی بوده که برای حل این چالش‌ها جوابگو نبوده و اکنون این میزان سرمایه‌گذاری به کمتر از ۱۵ درصد تولید ناخالص داخلی رسیده در حالی که چالش‌ها بسیار عمیق‌تر و بزرگ‌تر شده است.

دسته دوم :ابرچالش‌ها یعنی نظام بانکی، کسری بودجه و صندوق‌های بازنشستگی به‌گونه‌ای عمل می‌کنند که منابع را از سرمایه‌گذاری دور و به سمت مصرف هدایت می‌کنند.برای نمونه صندوق‌های بازنشستگی را در نظر بگیرید. تراز صندوق بازنشستگی نیروهای مسلح کاملاً منفی است، صندوق کشوری هم عدم تعادل بسیار بزرگی دارد و در نهایت تامین اجتماعی هم از نظر منابع و مصارف لب مرز است.برآیند عملکرد این صندوق‌ها این است که در بودجه سالانه بیش از ۶۰ هزار میلیارد تومان گنجانده می‌شود که حقوق بازنشستگان لشکری و کشوری پرداخت شود. این ارقام را که از بودجه جاری کشور کم کنید، رقم محدودی باقی می‌ماند و در واقع آنچه به عنوان رشد بالای بودجه جاری گفته می‌شود ناشی از افزایش عدم تعادل صندوق‌ها و بالا رفتن تعداد بازنشستگان است.بار مالی صندوق‌های بازنشستگی وارد بودجه جاری شده است یعنی

هزینه فرصت سرمایه‌گذاری بسیار بالا رفته است. اگر صندوق‌های بازنشستگی تعادل مالی داشتند این مبلغ بالای بیش از ۶۰ هزار میلیاردتومانی می‌توانست در بودجه عمرانی هزینه شود که سرمایه‌گذاری دولت را بالا می‌برد؛ و البته این سرمایه‌گذاری و کارایی آن، روش‌های خاص خودش را دارد.بسیا این حال مساله این است که کسری صندوق‌ها باعث شده است مبلغ قابل توجهی از بودجه به پرداخت مستمری بازنشستگان اختصاص پیدا کند و این رقم با شتاب بالایی در سال‌های آینده بیشتر و بیشتر می‌شود و تا سال ۱۴۰۰ حتماً از مرز ۱۰۰ هزار میلیارد تومان خواهد گذشت. ضمن اینکه حقوق بازنشستگان نباید مشمول تاخیر شود و پرداخت آن از ضرورت‌هاست.

دسته سوم : اگر ارقام کلان بودجه عمومی دولت را در چند سال گذشته بررسی کنیم متوجه می‌شویم که بودجه عمرانی کشور به تدریج در حال حذف شدن است و منابع دولت به ناچار صرف پرداخت‌های جاری می‌شود؛ حتی بودجه جاری دولت به تدریج برای همین پرداخت‌ها هم دچار تنگنا خواهد شد و قاعدتاً دولت نمی‌تواند کمکی به سرمایه‌گذاری کند.نظام بانکی هم در دهه‌های

بازی جدید بانک‌ها برای پرداخت نکردن وام ازدواج

«اخذ یک ضامن معتبر و سفته» تاکید کرد.پس از ابلاغ این بخشنامه‌های الزام‌آور به صورت مکرر، بانک‌های تجاری شرایط

خود را به یک ضامن تقلیل داده‌اند اما در روند اجرا همچنان

سلیقه‌ای عمل کرده و متقاضیان دریافت تسهیلات ازدواج

را دچار مشکل می‌کنند. به‌عنوان نمونه، برخی بانک‌ها

فقط ضمانت ضامن دولتی و رسمی را

قبول می‌نمایند و ضامن خصوصی،

غیر رسمی، قراردادی، بیمانی و

بازنشسته را معتبر نمی‌شمارند.

همچنین در گواهی تعهد کسر

اقساط همه شافلان رسمی

و غیر رسمی ارگان‌های دولتی

و خصوصی به‌لحاظ حقوقی یک

جمله مبنی بر «معتبر بودن گواهی

کسر اقساط تا زمان اشتغال ضامن

در محل کار مصدر گواهی» ذکر

می‌شود اما برخی بانک‌ها هر گواهی

کسر اقساط دارای این جمله را غیر

معتبر شمرده و متقاضی را مجبور به

معرفی ضامن دوم یا جدید می‌نمایند!

گفتنی است در بند «الف» تبصره

۱۶ قانون بودجه ۹۸ و نیز در بند

«پ» شرایط و دستورالعمل اخذ تسهیلات ازدواج در سامانه

تسهیلات ازدواج آمده است: «بانک‌مرکزی، بانک‌ها و موسسات

اعتباری غیربانکی می‌توانند یارانه‌ی پرداختی به

اشخاص را به‌عنوان تضمین در این زمینه بپذیرند.»

یعنی متقاضی می‌تواند با مراجعه به بانک

مقصد حساب یارانه واریزی خود بدون

معرفی ضامن حقیقی، حساب یارانه را

به‌عنوان ضمانت معرفی و از آن بانک

تسهیلات ازدواج دریافت کند. اما در

حال حاضر، این بند قانون در هیچ یک

از بانک‌ها، اجرایی نمی‌شود.براساس

این گزارش، از شواهد برمی‌آید که

این تسهیلات در اثر فقدان نظارت

موثر بانک مرکزی، عدم تمکین

بانک‌های تجاری نسبت به قوانین

و بخشنامه‌های رسمی و نیز برخورد سلیقه‌ای و

شعبه‌ای با متقاضیان، عملاً به ضد خود بدل و به

سدی برای ازدواج جوانان تبدیل شده است. لذا ضروری است

تا بانک مرکزی با نظارت دقیق میدانی صحت اجرای قوانین و

بخشنامه‌ها در روند ارایه تسهیلات قرض‌الحسنه‌ی ازدواج را

رصد و از سنگ‌اندازی و ایجاد موانع غیرقانونی بر سر راه تحقق

اهداف این تسهیلات توسط بانک‌های تجاری جلوگیری نماید.

چه ارتباطی میان این‌ها وجود دارد؟



چه ارتباطی میان این‌ها وجود دارد؟ دختر بیکار یک وزیر، یک پیرزن روستایی که مجموعه‌ای به غایت گران قیمت به نامش وارد شده و پسر جوانی که ظاهراً باید در دسته مولتی میلیاردرها قرارش داد؟ مسائلی به ظاهر بی ربط که با مرور چند پرونده به هم مرتبط به نظر می‌رسند!پاییز سال ۹۶، چندماه پیش از آنکه دلار کانال سه هزار تومان را ترک گفته و مرزهای تورم و گرانی در کشور درنور دیده شود، پرونده‌ای در کانون توجه عموم قرار گرفت که حکایت از واردات انبوه یک خودروی لوکس توسط یکی از زنان روستایی داشت.واردات ۱۴۴ دستگاه انواع خودروی پورشه توسط پیرزنی که ساکن روستایی محروم است، از آن دسته اتفاقاتی است که بعید است شنیده و از یاد برده باشید.ماجرا از این قرار است که برخی سودجویان برای پیشبرد اهدافی مانند واردات خودروهای لوکس به کشور، با پرداخت وجوهی اندک اوراق هویتی برخی قشرهای کم در آمد را در اختیار می‌گیرند تا با آن کارت بازرگانی دریافت کرده و به مدد این کارت، اقدام به واردات قانونی بی ثبت اثر و نشانی از خود کنند.البته ماجرا ابعاد هم دیگری هم دارد که از جمله آنها، استفاده از تسهیلات دایر شده برای مرزنشینان و دیگر قشرهای جامعه است که در پرونده واردات پورشه نیز بدین ترتیب بود. پرونده‌ای که گفته می‌شد از جمله شاکیانش، گمرک کشورمان است؛ هرچند اطلاع خاصی از فرجام آن در دست نیست.اما منظور از مرور این پرونده، نه رسیدن به چرایی مشخص نشدن فرجام آن – که در جای خود بسیار اهمیت دارد – و حتی سازوکارها و تدابیر اندیشیده شده برای مقابله با این دست سوءاستفاده ها، که مرور داستان دیگری است که یکی از کلیدواژه‌های اصلی آن «پورشه» است.خودرویی لوکس و بسیار گران قیمت که در دوران دلار سه هزارتومانی نیز رویای رسیدن به آن در مخیله بسیاری جای نداشت، چه برسد به این روزها که نرخ دلار و دیگر ارزهای خارجی چند برابر شده و اوضاع اقتصاد کشورمان بحرانی است؛ آنقدر بحرانی که واردکنندگان این خودروها دست از کار کشیده‌اند.ماجرا از این قرار است که قاضی پرونده تخلفات ششبنم نعمت زاده، دختر وزیر اسبق صمت در ابتدای نشست نخست رسیدگی به اتهامات وی و متهمان همکارش، دلیل بازداشت وی به رغم تودیع وثیقه را این گونه توضیح داد که مهلت ضمانت نامه‌های تودیع شده توسط پدر وی رو به اتمام بوده و بیم فرار وی می‌رفته است. قاضی مسعودی همچنین اشاره کرد، فردی با نام امیر بارانی ۲۰ میلیارد تومان سند برای متهم وثیقه گذاشته و یادآوری کرده که اگر دادگاه لازم بداند، باز می‌تواند سندهای دیگری در اختیار مرجع قضایی قرار دهد، در حالی که این فرد متولد سال ۱۳۷۳ بوده و میزان ثروتش سوالاتی آفریده که دادگاه را مجاب کرده آن فرد را فرابخواند؛ فراخوانی که البته اجابت نشده است.ماجراجایی جالب توجه که خیلی زود برخی فعالان فضای مجازی ابعاد جدیدی از آن را کشف و افشا کردند، از جمله اینکه امیر بارانی، با نام کامل «سیدامیر بارانی بهبهانی»، فرزند فردی است که یکی از مهم‌ترین فعالیت‌های اقتصادی اش در سال‌های گذشته، واردات پورشه به کشور بوده است؛ تجارتي مرتبط با وزارت صمت!اطلاعاتی که تا کنون نه وزیر اسبق و نه مسئولان فعلی وزارت صمت به آن واکنش نشان نداده اند تا ابهامات در این خصوص اوج بگیرد؛ ابهاماتی که حتی واکنش دختر وزیر هم به آن‌ها سکوت است؛ هرچند تأکید دارد به رغم وزیر بودن پدرش، سال‌ها بیکار بوده و از حضور پدرش در چنین جایگاهی، بهره‌ای نبرده است! این مطلب را تابناک نوشت.

ویلای داماد مقام ارشد کشوری

دیوان عدالت اداری رأی کمیسیون ماده ۱۰۰ شهرداری مبنی بر تخریب ویلای داماد یکی از مقامات ارشد کشوری در منطقه لواسان را تأیید کرد. محسن قائمی‌نسب مدیرکل حوزه ریاست دیوان عدالت اداری، در پاسخ به سؤالی مبنی بر اینکه آیا جلوگیری از تخریب ویلای داماد یکی از مسئولان کشور با حکم دیوان عدالت اداری صحت دارد یا خیر اظهار کرد: رسیدگی‌ها در محاکم قضایی و مراجع حقوقی به‌ویژه دیوان عدالت اداری فارغ از نام‌ها و نشان‌هاست و طبق قانون صورت می‌گیرد و اصولاً وقتی کسی در دیوان عدالت اداری دادخواستی ثبت می‌کند بر اساس درج نام و نام خانوادگی و کد ملی و نام پدر این اقدام صورت می‌گیرد و نسبت‌های خانوادگی در این دادخواست مشخص نمی‌شود و در صورت مشخص شدن هم هیچ‌گونه تأثیری در صدور رای ندارد. درباره پرونده اشخاص که جنبه خصوصی دارد به جهات مختلف اطلاع‌رسانی نمی‌کنیم، اما در رابطه با پرونده مورد اشاره که فضاسازی زیادی صورت گرفته است باید گفت که یک شخصی که نام و نام خانوادگی و کد ملی مشخص دارد و در پرونده محفوظ است و نه به عنوان داماد یک مسئول، به دیوان مراجعه کرده و از رای کمیسیون ماده ۱۰۰ شهرداری لواسان که حکم به تخریب ویلای نامبرده داده، شکایت کرده است. دیوان طبق قانون مکلف به ثبت دادخواست بوده و دستور طی مراحل قانونی صادر و پس از طی تشریفات قانونی، رأی به رد در خواست شاکي یعنی صاحب ویلای معروف داده و رأی تخریب از سوی کمیسیون را تأیید کرده است.



فرخ و ابوالقاسم فروهر را به سمت وزیر تجارت و وزیر صناعت و وزیر داخله معرفی کرد.

● مهر ۹، ۱۳۲۰، حسین علاء به ریاست بانک ملی ایران منصوب شد.

● مهر ۹، ۱۳۲۳، یک مقام روس که در ۲۴ شهریور گذشته با هدف تحصیل امتیاز نفت به تهران آمده بود امروز در ملاقات با شاه، از بی‌اعتنایی ساعد نسبت به درخواست شوروی شکایت کرد و هشدار داد که روابط اقتصادی آینده مسکو و تهران بستگی به پاسخ دولت ایران به درخواست امتیاز نفت شوروی دارد.

● مهر ۹، ۱۳۲۲، سخنگوی دولت اعلام کرد: دولت فعلی مصمم است با توجه به قانون ملی شدن صنعت نفت در قوانین موضوعه مملکتی، به هر وسیله‌ی که شده است نفت ایران را به بازارهای جهانی برساند. همچنین در این روز، روزنامه آبرور نوشت: امریکا ۴۵ میلیون دلار در اختیار فضل الله زاهدی قرار داده بود تا وی را در کودتا علیه مصدق یاری کند.

● مهر ۹، ۱۳۳۶، خرمشهر صاحب آب لوله کشی شد.

● مهر ۹، ۱۳۳۸، بانک بین المللی ایران و ژاپن کار خود را آغاز کرد. ۵۱ درصد از سهام این بانک متعلق به برادران لاجوردی بود.

مردم اصرار می کنند که دوباره برگردم

محمود احمدی‌نژاد، رئیس دولت نهم و دهم با ایندپندنت فارسی درباره مسائل مختلف گفتگو کرده و گفته است: تعریف من روشن است. هیچ ارزشی با تحمیل که با انتخاب آزادانه و آگاهانه همراه باشد. مذهب اگر انتخابی نباشد هیچ ارزشی ندارد. ما هیچ حدی برای آزادی انسان قائل نیستیم. البته به شما بگویم که خود واژه آزادی هم نباید به ابزار تبدیل شود. حقیقت آزادی، مطلق است. هیچ امری نباید موجب اسارت انسان و تحمیل به انسان بخصوص در حوزه اندیشه و باورها بشود. ما محدودیتی در حوزه اندیشه به رسمیت نمی‌شناسیم. مردم برای بازگشت من به عرصه سیاسی زیاد می‌خواهند، خیلی زیاد می‌خواهند، اصرار هم می‌کنند. بعضی مواقع دستور هم می‌دهند و می‌گویند باید». بهشان می‌گویم ان‌شالله با یکدیگر کاری می‌کنیم و اوضاع خوب می‌شود.

کفش انتخابات پوشید

احمد خورشیدی، پدر داماد احمدی‌نژاد گفته است که ائتلافی تحت عنوان «جبهه سوم» با حضور دوازده تشکل سیاسی با محوریت خودش در تهران اعلام موجودیت کرده است. خورشیدی گفته که هدفش برای انتخابات زمستان آتی شکستن ستار (اصولگرا و اصلاح‌طلب) قدیمی و دوقطبی (اصولگرا و آسیب می‌زند و به راه‌حل نیست. خورشیدی که خودش را دبیر کل جهادگران ایران اسلامی معرفی کرده، گفته

خانوارهای ایرانی

زیر خط‌فقر نسبی

در سال ۱۳۹۴ پژوهشی انجام شد که در آن پژوهش دهک سوم به عنوان معیاری از خط فقر نسبی در نظر گرفته شده بود. نتیجه این پژوهش نشان می‌داد که ۳۸ درصد خانوارهای جامعه در دهک‌های پایین‌تر از دهک سوم قرار دارند. طبیعتاً با اوضاعی که پیش آمد، هم اکنون بیش از ۵۰ درصد خانوارهای ایرانی درآمدهایشان با هزینه‌هایشان همخوانی ندارد و زیر خط فقر نسبی هستنداگر برای تهیه آمارها نمونه‌های دقیقی از کلانشهرها گرفته شود ملاحظه دهک‌های شده شد که در کلانشهرهایی مانند تهران، به دلیل آن که درآمدهای دهک ششم کفاف هزینه‌ها را نمی‌دهد، این دهک هم مجبور شده است از جیب خرج کند و از پس اندازه‌های سابق خود برای پوشش هزینه‌ها استفاده کند. عملاً خط فقر نسبی به شدت افزایش یافته است و هم اکنون برآوردهای من این است که تا دهک ششم جامعه ایران تحت تاثیر فشارهای هزینه‌ای می‌باشند.به تازگی مرکز آمار ایران گزارشی پیرامون مابه‌التفاوت درآمد و هزینه خانوارهای شهری و روستایی کشور در سال ۹۷ را به تفکیک دهک‌های درآمدی و مقایسه روند آن با سال‌های گذشته منتشر کرده‌است.این گزارش نشان می‌دهد که هر خانوار شهری به طور متوسط ۴ میلیون و ۱۶۸ هزار تومان و هر خانوار روستایی یک میلیون و ۸۶۴ هزار تومان بیشتر از هزینه سالانه اش درآمد داشته است که معادل متوسط ماهانه ۳۴۷ هزار و ۳۰۰ تومان و ۱۵۵ هزار و ۴۰۰ تومان به ترتیب برای هر خانوار شهری و روستایی بوده است. در دو بحران اخیر ارزی قیمت دلار بیش از ۴۰۰ درصد افزایش یافت خانوارهای حاضر در دهک ششم هم از جیب خرج می‌کنند.با توجه به اینکه در سال گذشته فشارهای هزینه‌ای بسیاری به خانوارها تحمیل شد.

مردم معمولاً روزانه با ۲۰ تا ۳۰ قلم کالا سر و کار دارند و نوسانات قیمتی این کالاها بیشتر به چشم می‌آید. ۳۰ درصد از سبد مصرفی خانوارهای شهری به ویژه در کلان شهرها مربوط به هزینه مسکن و ۷۰ درصد مربوط به هزینه های، چون خوراکی‌ها و آشامیدنی ها، تحصیل و آموزش، بهداشت و درمان، پوشاک و … می‌باشد؛ بنابراین در سبد مصرفی خانوارها، هزینه مسکن سهم بالایی دارد.بررسی‌ها نشان می‌دهد که در یک سال اخیر قیمت نقطه به نقطه مسکن بیش از ۱۰۰ درصد رشد داشته است و حتی این رقم در شهرستان‌ها با بیشتر هم بوده است. همچنین اجاره بها نیز در مقایسه با سال گذشته بیش از دو برابر شده است.

نتیجه آن که هزینه‌های مسکن که سهم بالایی در سبد مصرفی خانوارها دارد به شدت تحت تاثیر نوسانات دلاری قرار گرفته و قیمت آن افزایش یافته است. در زمینه هزینه‌های مربوط به کالاهای اساسی و ضروری که بعد از مسکن سهم دوم را در سبد مصرفی خانوارها در اختیار دارند نیز دولت سیاست ارز ۴۲۰۰ تومانی را در یک سال گذشته دنبال کرده است که متأسفانه این سیاست به دلیل رانت و فسادی که وجود داشت به جامعه هدف برخورد نکرد و قیمت کالاهای اساسی به شدت افزایش یافت. هزینه‌ها در بخش تحصیل و آموزش نیز به شدت افزایش یافته است، به عنوان نمونه هم اکنون شهریه‌های مربوط به مهدکودک‌ها و مدارس غیرانتفاعی در مقایسه با سال گذشته افزایش چشمگیری داشته است.بنابراین افزایش قیمت مسکن، خوراکی‌ها و آشامیدنی‌ها و تحصیل و آموزش در یک سال گذشته عملاً فشار شدید هزینه‌ای بالایی را به خانوارها وارد کرده است.در سال ۱۳۹۴ پژوهشی انجام شد که در آن پژوهش دهک سوم به عنوان معیاری از خط فقر نسبی در نظر گرفته شده بود. نتیجه این پژوهش نشان می‌داد که ۳۸ درصد خانوارهای جامعه در دهک‌های پایین‌تر از دهک سوم قرار دارند. طبیعتاً با اوضاعی که پیش آمد، هم اکنون بیش از ۵۰ درصد خانوارهای ایرانی درآمدهایشان با هزینه‌هایشان همخوانی ندارد و زیر خط فقر نسبی هستند.متأسفانه در دهه ۹۰، دو بحران ارزی به فاصله اندکی از یکدیگر اتفاق افتاد که این موضوع در تاریخ اقتصاد ایران بی سابقه است. در این دو بحران در مجموع بیش از ۴۰۰ درصد قیمت دلار افزایش یافته است و این در حالی است که اقتصاد ایران، یک اقتصاد واردات محور بوده است و این موضوع باعث شد تا به شدت هزینه‌های خانوارها تحت تاثیر قرار گیرد و افزایش یابد و قدرت خرید مردم به شدت کاهش یابد و احتمالاً هم اکنون تا دهک ششم تحت فشارهای شدید هزینه‌ای قرار گرفته اند. یک زمانی فشار هزینه‌ای عمدتاً تا دهک سوم و چهارم بود و الان این فشار هزینه‌ای به دهک ششم هم رسیده است.

مقصود این است که پس انداز دهک ششم جامعه نیز هم اکنون منفی شده و این دهک در حال خرج کردن از پس اندازه‌های سابق خود می‌باشد و به عبارت عامیانه از جیب خرج می‌کند.اگر برای تهیه آمارها نمونه‌های دقیقی از کلانشهرها گرفته شود ملاحظه خواهد شد که در کلانشهرهایی مانند تهران، به دلیل آن که درآمدهای دهک ششم کفاف هزینه‌ها را نمی‌دهد، این دهک هم مجبور شده است از جیب خرج کند و از پس اندازه‌های سابق خود برای پوشش هزینه‌ها استفاده کند.

عملاً خط فقر نسبی به شدت افزایش یافته است و هم اکنون برآوردهای من این است که تا دهک ششم جامعه ایران تحت تاثیر فشارهای هزینه‌ای می‌باشند: متأسفانه دولت هیچ سیاست روشنی برای فقرزدایی نداشته است و سیاست ارز ۴۲۰۰ تومانی هم خوب اجرا نشد و رانت بزرگی نصیب تعداد اندکی شد و بخش بزرگی از جامعه از این سیاست منتفع نشدند و این موجب شد که شکاف طبقاتی به شدت افزایش یافت. این مطلب را مانوششیم تابناک اقتصادی در گفتگو با وحید شقاقی شهری عضو هیات علمی دانشگاه خوارزمی و کارشناس مسائل اقتصادی نوشت.

اندازه دولت در اقتصاد ایران

بررسی و محاسبات نشان می‌دهد، در سال ۱۳۹۶ حجم تولید ناخالص داخلی ۱۴۷۰ هزار میلیارد تومان بوده است. سهم بودجه شرکت‌های دولتی از تولید ناخالص داخلی، رقمی معادل ۴۷.۶ درصد و سهم دولت از تولید ناخالص داخلی ۱۹.۵ درصد بوده است؛ بنابراین، در مجموع سهم دولت از اقتصاد ایران بیش از ۶۰ درصد است.بهزاد نبوی که در عرصه سیاست با عنوان چریک پیر شناخته می‌شود، در روزهای اخیر طی مصاحبه‌ای جمالتی را بیان کرده که در نوع خود جالب است. وی در بخشی از سخنان خود اعلام کرده است که اختیارات دولت بر طبق قانون اساسی، حدود ۱۰ تا درصد کل اختیارات اداره کشور است و باید در همین حد از دولت انتظار داشت. همچنین نبوی در بخش دیگری از صحبت‌های خود، با اشاره به اینکه بخش‌های انتخابی حاکمیت سهم کمی در اداره کشور دارند افزوده است: در کشور ما چهار نهاد هست که ۶۰ درصد ثروت ملی را در اختیار دارند؛ ستاد اجرایی فرمان امام، قرارگاه خاتم، آستان قدس و بنیاد مستضعان که هیچ یک از این‌ها ارتباطی با دولت و مجلس ندارند.سال‌هاست این گزاره بیشتر از سوی سیاستمداران و نه اقتصاددانان مطرح می‌شود که بنیادها و نهادهای مالکان عمده اقتصاد ایران می‌باشند و برای مردم نیز این جمله بسیار جذاب است و خبر از حضور مافیاهای پیچیده در اقتصاد ایران را می‌دهد. معمولاً هم این گزاره بیشتر در زمان نزدیکی به دوره‌های انتخاباتی و از سوی طرفداران جناح‌هایی مطرح می‌شود که حاکم بر وضعیت سیاسی کشور هستند و می‌خواهند به نوعی عملکرد نه چندان خوب خود را به گردن دیگران بیندازند.اما حالا پرسش اساسی این است که آیا واقعاً ۶۰ درصد اقتصاد ایران در اختیار بنیادها و نهادهاست؟ آیا این بنیادها و نهادهای هستند که سهم عمده‌ای از اقتصاد ایران را بر عهده دارند؟!

سهم ۶۷ درصدی دولت از اقتصاد ایران:بررسی‌های آماری نشان می‌دهد که این گزاره صحیح نیست و بخش عمده اقتصاد ایران در اختیار دولت است.یکی از شاخص‌ها برای ارزیابی اندازه بخش دولتی در اقتصاد مقایسه حجم بودجه دولت با تولید ناخالص داخلی

قضیه نماینده مال باخته…

چندی پیش نماینده مردم خوی و چایپاره در مجلس شورای اسلامی در حاشیه نشست علنی مجلس برای دقایقی در جایگاه خبرنگاران حاضر شد، ولی از پاسخ به پرسش های آن‌ها درباره حواشی منتشر در رسانه‌ها درباره سرقت ۴۰۰ میلیون تومان وجه نقد و ۲۵۰ هزار یورو از منزلش خودداری کرد.خبر سرقت از منزل این نماینده برای اولین بار توسط یکی از وب سایت‌ها بدون ذکر نام منتشر و اعلام شد که مبلغ ۴۰۰ میلیون تومان به اضافه ۲۰۰ هزار دلار به سرقت رفته است. بیشتر از موضوع سرقت از منزل یک نماینده، این ارقام اعلامی به سرقت رفته بود که نظر همگان را به خود جلب کرد.یک منبع آگاه گفته بود: مبلغ بوده شده از خانه یکی از نماینده‌های مجلس ۲۰۰ هزار دلار نبوده، بلکه ۲۵۰ هزار یورو بوده است. این منبع مطلع، نماینده مال باخته را یکی از نمایندگان حوزه انتخابیه استان آذربایجان غربی معرفی کرده بود و این نماینده فارغ‌التحصیل التحصیل کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث از دانشگاه آزاد اسلامی و دارای مدرک دکتری تخصصی علوم قرآن و حدیث از دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران هم است و در کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی عضویت دارد.شایان ذکر است، تاکنون نهادهای ذی ربط در زمینه حجم اسکناس‌های به سرقت رفته اظهار نظری نداشته اند، اما همان گونه که عنوان شد، میزان ارز اعلام شده توسط سخنگوی هیأت نظارت بر رفتار نمایندگان حدود ۲۰۰ هزار



در حالی عدم همراهی برخی از دستگاه‌ها در ارائه اطلاعات خود به سامانه حقوق و مزایا ادامه دارد که یک اقتصاددان معتقد است علت این عدم همراهی‌ها می‌تواند حاکی از وجود تخلفات یا مشکلاتی

دلار است؛ رقمی که واکنش بسیاری در پی داشت.برای نمونه یکی از گویندگان خبر در واکنش به این حجم از ارز نگهداری شده در منزل این نماینده طی توثیبه به کنایه نوشت: نگهداری بیش از ده هزار دلار یا یورو در منزل قاچاق محسوب می‌شود و اگر در سنا ثبت نشده باشد، پولشویی است. یادآوری برای بعضی‌ها!..حالا پرسش این است که قانون و دستورالعمل‌ها در مورد میزان سقف نگهداری ارز توسط اشخاص چه می‌گویند؟در سال ۱۳۹۲ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز تصویب شد. در ماده ۷ این قانون، بانک مرکزی موظف شده بود در جهت پیشگیری و کنترل بازار مبادلات غیرمجاز ارز، اقداماتی، چون تعیین و اعلام میزان ارز قابل نگهداری و مبادله در داخل کشور، همراه مسافران، همراه رانندگان عبوری و مواردی از این قبیل را به عمل آورد. این در حالی است که بانک مرکزی طی اطلاعیه شماره یک خود در ۲۱ فروردین ماه ۱۳۹۷ اعلام کرد: میزان ارز قابل نگهداری توسط هر شخص بر اساس دستورالعمل صادره توسط

بررسی داشته و ۶۳.۱ درصد بوده است. است. آیا ۶۰ درصد اقتصاد ایران در اختیار بنیادها و نهادهاست؟!شایان ذکر است سه سال قبل نیز معاونت اقتصادی، وزارت امور اقتصادی و دارایی طی مطالعه‌ای سهم بنیادها و نهادهای از کل اقتصاد ایران را تنها ۱۰ درصد اعلام کرد. مجموعه‌هایی مانند آستان قدس رضوی، ستاد اجرایی فرمان امام، بنیاد برکت، بنیاد مستضعان، بنیاد شهید، قرارگاه سازندگی خاتم و دیگر تشکیلات اقتصادی سپاه در این گزارش مورد بررسی قرار گرفته بودند. با استناد به این گزارش، نقش شرکت‌های دولتی و شبه دولتی در اقتصاد ایران قابل قیاس با بنیادها و نهادهای نبود.حتی علاوه بر این گزارش‌ها، مسعود نیلی دستیار سابق رئیس جمهور در نشست تحلیل شرایط اقتصادی ایران که در مرداد ماه سال جاری و به همت اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان در اروپا برگزار شده بود، در مورد تأثیر بنگاه‌داری نهادهای نظامی بر اقتصاد ایران افزود: حدود ۴۰ درصد سهام بنگاه‌های اقتصادی، سهام عدالت است که کاملاً در اختیار دولت و ۲۰ درصد هم به خودی خود در دست دولت قرار دارد؛ به عبارتی، دولت عنصر مسلط بنگاه‌داری است و صحبت از بنگاه داری نهادهای نظامی، خیلی مستند نیست.

سهم بخش خصوصی از اقتصاد ایران چقدر است؟!اتاق بازرگانی ایران، طی مطلعاتی به تعیین سهم ارزش افزوده بخش خصوصی و بخش عمومی از کل ارزش افزوده ایجاد شده در سال‌های ۱۳۹۲ و ۱۳۹۳ با دو رویکرد درصد



مالکیت سهام و رویکرد تعیین مدیریت پرداخته است.بر اساس رویکرد درصد مالکیت سهام، در سال ۱۳۹۲ سهم ارزش‌افزوده بخش خصوصی از کل ارزش‌افزوده ایجاد شده در اقتصاد ایران معادل ۴۴.۷ درصد و سهم بخش عمومی برابر با ۴۵.۳ درصد بوده است. در سال ۱۳۹۳ توجه به محاسبات انجام‌شده، سهم ارزش‌افزوده بخش خصوصی از کل ارزش‌افزوده ایجاد شده در اقتصاد ایران معادل ۴۷.۳ درصد و سهم بخش عمومی ۵۲.۷ درصد بوده است.بر اساس رویکرد تعیین مدیریت، سهم بخش دولتی و خصوصی از ارزش‌افزوده ایجاد شده در اقتصاد ایران در سال ۱۳۹۳ به ترتیب برابر با ۵۴.۲ درصد و ۴۵.۸ درصد و این نسبت‌ها برای سال ۱۳۹۲ برای دو بخش دولتی و خصوصی برابر با ۵۷ درصد و ۴۳ درصد بوده است. بنابراین، باز هم در خوش بینانه‌ترین حالت، سهم بخش خصوصی از اقتصاد ایران زیر ۵۰ درصد برآورد شده است و این بخش عمومی (دولتی) است که نقض پررنگ تری دارد.در مجموع آنچه مشخص است، تقلیل نقش دولت در اقتصاد ایران و افزایش نقش نهادهای و بنیادها در اقتصاد ایران به نوعی فراقکتی است. دولت باید با توجه به نقش بیش از ۶۰ درصدی خود در اقتصاد ایران پاسخگوی عملکرد خود باشد. به نظر می‌رسد طرفداران دولت با این گونه‌اعلام نظرها در آستانه انتخابات به دنبال تطهیر این نهاد باشند و قصد دارند عملکرد ضعیف دولت را به گردن سایر نهادهای بیندازند.این مطلب را ما نوشتیم تابناک نوشت.

بانک مرکزی در تاریخ ۲۱ فروردین ۱۳۹۶ حداکثر ۱۰ هزار یورو یا معادل آن به سایر ارزها بوده و در صورت کشف، میزان بیش از آن در اختیار هر شخص، با مرتکب بر اساس قانون برخورد خواهد شد.به هر صورت باید در ابتدا مشخص شود که آیا نماینده مجلس مجوز نگهداری این میزان ارز را نداشته است یا خیر؟ اگر مجوزهای لازم را نداشته باشد، باید طبق قانون با وی برخورد شود.نکته دیگر در این ماجرا این است که این نماینده مجلس و عضو کمیسیون اقتصادی بارها در مصاحبه‌های خود از وضعیت بازار ارز انتقاد کرده بود. به عنوان نمونه در ۲۲ اردیبهشت ماه سال گذشته هم‌زمان با برهم ریختگی بازار ارز طی مصاحبه‌ای اعلام کرد: در حال حاضر شاهد آن هستیم که بیخ گوش بانک مرکزی و صرافی‌ها، دلار در قالب بیک موتوری در اختیار افراد قرار می‌گیرد. این نماینده مجلس با بیان اینکه باید درزهای دلار غیرقانونی و قاچاق مشخص شود، گفت: در حالی که دلار قاچاق در اختیار افراد قرار می‌گیرد، واردکنندگان، ارز مسود نیاز برای ثبت سفارش را پیدا نمی‌کنند.با توجه به اینکه این نماینده مجلس ادعا نموده بود که ارزها با بیک موتوری در اختیار افراد قرار می‌گرفته است، حالا باید این پرسش را هم از ایشان پرسید که منشاء این ۲۵۰ هزار یورو کجا بوده و آیا این میزان ارز هم از طریق بیک موتوری به دست ایشان رسیده یا منشأ دیگری داشته است؟!این مطلب را تابناک نوشت.



اگر ریگی به کفش ندارند…

است که این الزام قانونی باید ضمانت اجرایی هم داشته باشد و برای مثال دستگاه‌هایی که به این قانون گردن نمی‌نهند پرداخت حقوق‌شان مختل شود.او به مقایسه شفاف‌سازی حقوق‌ها در ایران و دیگر کشورهای توسعه یافته هم پرداخت و گفت: در دیگر کشورها میزان حقوق‌ها معلوم است، بنابراین هم مردم و هم دستگاه‌های نظارتی مانند سازمان مالیاتی می‌دانند که هر فردی در سیستم دولتی چقدر حقوق می‌گیرد. این شفافیت حتی شامل مقامات بالاتر و افراد خاص هم می‌شود.زمانی که حقوق‌ها و مزایا شفاف شود آنگاه مشخص خواهد شد که آیا هر فرد متناسب با شایستگی و تلاش خود حقوق می‌گیرد یا نه؛ در چنین اوضاعی اگر افرادی حقوق‌های نامتناسب بگیرند فشار افکار عمومی و رسانه‌ها می‌تواند آن را اصلاح کند.دستگاه‌هایی که در برابر ارائه اطلاعات حقوقی خود مقاومت می‌کنند احتمالاً دارای مشکلات و تخلفاتی هستند گفت که قوه مجریه باید بتواند از طریق فشارهای اجرایی و عملیاتی این دستگاه‌ها را ملزم به همکاری کند.

در این دستگاه‌ها باشد.علی‌رغم الزام قانونی و فشار افکار عمومی به دولت برای راه‌اندازی سامانه حقوق و مزایا و ایجاد شفافیت نسبی در حقوق‌هایی که به کارمندان خود می‌دهد اما هنوز خبری از راه‌اندازی این سامانه نیست. با این حال پیش از این نیز رئیس سازمان امور استخدامی از عدم همکاری برخی از دستگاه‌های عمومی خبر داده بود.مجلس در قانون بودجه سال ۱۳۹۸ به صراحت دولت را ملزم به راه‌اندازی سامانه‌ای برای شفاف کردن حقوق و مزایای پرداختی به کارمندان کرده است با این حال و علی‌رغم ضرب‌العجلی که برای دولت تعیین شده است اما به نظر می‌رسد هنوز مسیر زیادی تا اجرای کامل قانون راه‌اندازی سامانه شفاف‌سازی حقوق و مزایا باقی مانده است. در این رابطه یک استاد دانشگاه به بررسی علت مقاومت برخی دستگاه‌ها در شفاف‌سازی حقوق و مزایا پرداخته است.

در این رابطه میثم موسایی ، عضو هیئت علمی دانشگاه تهران ضمن ضروری توصیف کردن شفاف‌سازی حقوق‌های کارمندان دولتی برای جلوگیری از بروز فساد اظهار کرد: نکته مهم این

ماهنامه خوش اخلاق ها و خوش دوق ها در حوزه اجتماعی و اقتصادی

توضیح اقتصادی



میرحمایت میرزاده ،سخننگوی کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس از تهیه طرحی برای اجرای اصل ۱۵ قانون اساسی مبنی بر تدریس ادبیات محلی در مدارس خبر داد و گفت :

طرح تدریس ادبیات محلی در مدارس توسط کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس شورای اسلامی

طرح تدریس ادبیات محلی در مدارس توسط کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس شورای اسلامی

ما گروهی خانوادگی در تلگرم داریم. یکی از برادرزاده‌هایم در پایان هر جمله‌ای، یک «تامام» هم در این گروه می‌نویسد، شده تکه کلامش. از سریال‌های ترکیه‌ای آنرا گرفته. یکی دیگر از برادرزاده‌هایم هم به‌واسطه همین سریال‌ها و ترانه‌های ترکی استانبولی، کمی ترکی استانبولی یاد گرفته… این مُت، نمونه خوبی از خروار جامعه ایرانی است. ایران هم که باشم، خیلی‌ها که می‌فهمند ترکیه درس می‌خوانم، یک جمله یا اصطلاح ترکی استانبولی می‌گویند، یا تکه‌ای ترانه استانبولی می‌خوانند، یا درباره یکی از خوانندگان/بازیگران ترکیه چیزی می‌پرسند. فیلم‌ها، سریال‌ها و ترانه‌های استانبولی، ایران را فتح کرده است. خوراکی‌های ترکیه (از کباب دونر گرفته تا سیمیت، باقلوا و شکلات ترکی) نیز، همچینن. بازار پوشاک‌هم که دست‌کم یک دهه است به‌طور تمام و کمال، در اختیار ترکیه است. حتی معماری ترکیه نیز در میان اهل سنت‌مان دارد رایج می‌شود (معماری مسجد مکی در زاهدان که چند سال گذشته بازسازی شده را هم‌سنجی/مقایسه کنید با عکس‌های معماری همین مسجد، پیش از بازسازی‌اش). آموزشگاه‌های زبان ترکی استانبولی هم در بیشتر شهرها یکی پس از دیگری گشوده می‌شود. پیش‌فرض‌هایی که گوگل در هنگام جستجو نشان می‌دهد نیز، نشان از گستردگی جستجوی واژه‌ها به ترکی یا شهرهای ترکیه و شرایط زندگی در آن دارد. چرا که اکنون چندین سال است به‌واسطه اقتصاد ناکارآمدمان، شهرهای ترکیه یکی یکی دارد به تسخیر ایرانیان و سرمایه‌های‌شان در می‌آید. این روزها اگر در خیابان‌های خیلی از شهرهای ترکیه واژه‌ای به فارسی بگویید، دست‌کم چند ایرانی پیدا می‌شود که برگردند و نگاه‌تان کنند. گویا ترکیه شده شعبه دوم ایران؛ با این تفاوت که ایرانیان آن

چرخ دنده فقر و رنج

فقر و رنج در ایران

فقر و رنج در ایران

فقر و رنج در ایران

فقر و رنج در ایران

فقر و رنج در ایران

فقر و رنج در ایران

فقر و رنج در ایران

فقر و رنج در ایران

فقر و رنج در ایران

فقر و رنج در ایران

فقر و رنج در ایران

فقر و رنج در ایران

فقر و رنج در ایران

فقر و رنج در ایران

فقر و رنج در ایران

فقر و رنج در ایران

فقر و رنج در ایران

فقر و رنج در ایران

فقر و رنج در ایران

فقر و رنج در ایران

فقر و رنج در ایران

فقر و رنج در ایران

فقر و رنج در ایران

فقر و رنج در ایران

طرح تدریس ادبیات محلی

این طرح ضرب‌الاجلی را برای دولت جهت اجرای این اصل قانونی تعیین کرده است. اکنون با گذشت بیش از ۴۰ سال از پیروزی انقلاب هنوز این اصل اجرایی نشده و کار اساسی برای زبان محلی اقوام صورت نگرفته است.بر این اساس طرحی تهیه شده که طبق آن ضرب‌الاجلی برای دولت جهت عملیاتی و اجرایی کردن این طرح در استان‌های مختلف با اقوام گوناگون در نظر گرفته شده است. ضرب‌الاجل بدان معناست که دولت باید مثلا ظرف ۶ ماه آیین‌نامه و شیوه‌نامه اجرایی این اصل را تدوین کند تا معلوم شود تدریس

طرح تدریس ادبیات محلی در مدارس توسط کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس شورای اسلامی

طرح تدریس ادبیات محلی در مدارس توسط کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس شورای اسلامی

چه بلایی سر فرهنگ ایرانی آمده ؟

فرهنگ ایرانی

فرهنگ ایرانی

فرهنگ ایرانی

فرهنگ ایرانی

فرهنگ ایرانی

فرهنگ ایرانی

فرهنگ ایرانی

فرهنگ ایرانی

فرهنگ ایرانی

فرهنگ ایرانی

فرهنگ ایرانی

فرهنگ ایرانی

فرهنگ ایرانی

فرهنگ ایرانی

فرهنگ ایرانی

فرهنگ ایرانی

فرهنگ ایرانی

فرهنگ ایرانی

فرهنگ ایرانی

فرهنگ ایرانی

فرهنگ ایرانی

فرهنگ ایرانی

فرهنگ ایرانی

فرهنگ ایرانی

فرهنگ ایرانی

فرهنگ ایرانی

فرهنگ ایرانی

فرهنگ ایرانی

فرهنگ ایرانی

فرهنگ ایرانی

فرهنگ ایرانی

فرهنگ ایرانی

فرهنگ ایرانی

فرهنگ ایرانی

فرهنگ ایرانی

فرهنگ ایرانی

فرهنگ ایرانی

فرهنگ ایرانی

فرهنگ ایرانی

فرهنگ ایرانی

فرهنگ ایرانی

فرهنگ ایرانی

فرهنگ ایرانی

فرهنگ ایرانی

فرهنگ ایرانی

فرهنگ ایرانی

فرهنگ ایرانی

فرهنگ ایرانی

فرهنگ ایرانی

فرهنگ ایرانی

فرهنگ ایرانی

فرهنگ ایرانی

فرهنگ ایرانی

فرهنگ ایرانی

فرهنگ ایرانی

فرهنگ ایرانی

فرهنگ ایرانی

فرهنگ ایرانی

فرهنگ ایرانی

فرهنگ ایرانی

فرهنگ ایرانی

فرهنگ ایرانی

فرهنگ ایرانی

فرهنگ ایرانی

فرهنگ ایرانی

فرهنگ ایرانی

فرهنگ ایرانی

فرهنگ ایرانی

فرهنگ ایرانی

فرهنگ ایرانی

فرهنگ ایرانی

فرهنگ ایرانی

فرهنگ ایرانی

فرهنگ ایرانی

فرهنگ ایرانی

فرهنگ ایرانی

فرهنگ ایرانی

فرهنگ ایرانی

فرهنگ ایرانی

فرهنگ ایرانی

فرهنگ ایرانی

فرهنگ ایرانی

فرهنگ ایرانی

فرهنگ ایرانی

فرهنگ ایرانی

فرهنگ ایرانی

فرهنگ ایرانی

فرهنگ ایرانی

فرهنگ ایرانی

فرهنگ ایرانی

فرهنگ ایرانی

فرهنگ ایرانی

فرهنگ ایرانی

فرهنگ ایرانی

فرهنگ ایرانی

فرهنگ ایرانی

فرهنگ ایرانی

فرهنگ ایرانی

فرهنگ ایرانی

فرهنگ ایرانی

فرهنگ ایرانی

فرهنگ ایرانی

فرهنگ ایرانی

فرهنگ ایرانی

فرهنگ ایرانی

فرهنگ ایرانی

فرهنگ ایرانی

فرهنگ ایرانی

فرهنگ ایرانی

فرهنگ ایرانی

فرهنگ ایرانی

فرهنگ ایرانی

فرهنگ ایرانی

فرهنگ ایرانی

فرهنگ ایرانی

فرهنگ ایرانی

فرهنگ ایرانی

فرهنگ ایرانی

فرهنگ ایرانی

فرهنگ ایرانی

فرهنگ ایرانی

فرهنگ ایرانی

فرهنگ ایرانی

فرهنگ ایرانی

فرهنگ ایرانی

فرهنگ ایرانی

فرهنگ ایرانی

فرهنگ ایرانی

فرهنگ ایرانی

فرهنگ ایرانی

فرهنگ ایرانی

فرهنگ ایرانی

فرهنگ ایرانی

فرهنگ ایرانی

فرهنگ ایرانی

فرهنگ ایرانی

فرهنگ ایرانی

فرهنگ ایرانی

فرهنگ ایرانی

فرهنگ ایرانی

فرهنگ ایرانی

فرهنگ ایرانی

فرهنگ ایرانی

فرهنگ ایرانی

فرهنگ ایرانی

فرهنگ ایرانی

فرهنگ ایرانی

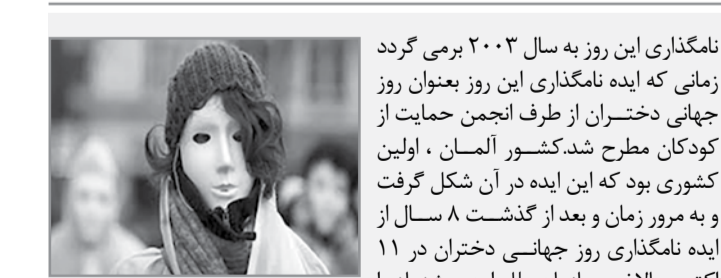
مالیات بر غارت سرمایه‌های مردم

« تو ایران نون تو دلایله!ازین دست بگیر با دوتا تلفن بده به اون دست، مالیاتم نداره کاسیی درست و حسابی بخوای بکنی یا به هیچ جا نمیرسی یا بیچاره و ورشکسته میشی!»
این جمله‌ای ایست که بارها و بارها از زبان افراد متعدد در زمان‌های مختلف شنیده ایم.اقتصاد ایران همواره در طول سه دهه اخیر در گیر چالش بزرگی به نام دلالی است. در واقع فضای کلی کشور به شکلی درآمده است که سرمایه گذار یا حتی عامه مردم با حداقل پس انداز به این نتیجه رسیده اند که سود دلالی و خرید و فروش از تولید خدمات کالا بیشتر و سهل الوصول تر است.همین مسئله اقتصاد ایران را یک اقتصاد مصرف‌گرا، وابسته به واردات و عقب مانده کرده است. اقتصادی که نتیجه نهایی آن خام فروشی نفت و منابع ملی، تورم چند ده درصدی و گرانی های بی در پی، کاهش تولید و اشتغال، کاهش قدرت خرید و رفاه مردم، تعمیق فقر، افزایش فاصله طبقاتی و نابرابری های اجتماعی است.برای برهم زدن اقتصادی که در آن خام فروشی و فعالیت های سوداگری ی همان دلالی به تولید و فرآوری منابع طبیعی و خلق ارزش غالب است تنها یک راه وجود دارد آن هم اینکه هزینه فعالیت های اقتصادی مضر را بالا برده و در مقابل هزینه فعالیت های مفید و مولد را کاهش و کسب درآمد در آن را تسهیل کرد.وضعیت ایران در شاخص سهولت کسب و کار که می توان گفت در وضعیت بسیار بدی قرار دارد به ابعاد گسترده ای مربوط است که مجال پرداختن به آن در این گزارش وجود ندارد و قرار است به بالا بردن هزینه در فعالیت های مضر مثل دلالی در بازارهای نامولد مسکن، طلا، ارز، خودرو، کالاهای اساسی و غیره بپردازیم.بهترین و حتی شاید بتوان گفت تنهاترین روش جلوگیری از دلالی و هدایت سرمایه و نقدینگی به سمت تولید و کسب و کارهای ارزش آفرین و اشتغال زا در تمام کشورهای دنیا استفاده از پایه های مالیاتی به عنوان ابزار تنظیمی است.

مالیات بر عایدی سرمایه (CGT) یک پایه مالیاتی است که چند دهه در اکثر کشورهای دنیا بر سوداگری در بازارهای نامولد اعمال می شود و بیش از یکسال است که علی‌رغم درخواست بسیاری از اساتید و کارشناسان و فعالان اقتصادی از مسئولین دولتی و نمایندگان مجلس در خصوص اعمال مالیات بر عایدی سرمایه در بازارهای مسکن، طلا ارز و غیره اما همچنان طرح آن معطل دستگاه های مذکور است و مشخص نیست کشور و مردم تا چه کی باید هزینه این تعطلل و بی توجهی را بپردازند!پشت پرده چه کسانی و با چه نفوذی لابی می کنند که اجازه اجرای چنین طرح کار آمدی که به نفع مردم و منافع ملی و به ضرر سودجویان و دلالان است را نمی دهند؟.

از دوچرخه تا اسکوتر برقی!

افق دیدی که ظاهرا سفر اخیر شهردار تهران به وین در ترسیم آن تاثیر به سزایی داشته است؛ «باید استفاده از اسکوتر برقی و توسعه آن در شهر جدی گرفته شود چراکه اسکوتر محدودیت‌های دوچرخه را ندارد و از مسئولان و رسانه‌ها می‌خواهم فضا را برای تردد اسکوتر و دوچرخه فراهم کنند.»شهردار تهران که به تازگی از دوچرخه سواری انصراف داده، به دنبال توسعه زیرساخت دوچرخه سواری در تهران و حتی بسط این ایده است.حناجی که پس از حضور در اجلاسی در وین، در توییتی از عمل جراحی خود خبر داده و تاکید کرده که تا مدتی قادر به دوچرخه سواری نیست، امروز بار دیگر بر ضرورت توسعه فضاهای شهری برای دوچرخه و اسکوتر سواری تاکید کرد و یادآور شد که در این خصوص دستوراتی به زیرمجموعه خود داده است.البته این نخستین بار نیست که شهردار تهران بر ضرورت توسعه دوچرخه سواری در پایتخت و برنامه ریزی برای حضور ورود اسکوتر به ناوگان حمل و نقل عمومی در تهران خبر می‌دهد، اما آنچه سخنان شهردار را متمایز می‌کند، دستوری است که وی به معاون حمل و نقل و ترافیک خود در این خصوص داده است.مقدمه چینی برای اجرای طرحی که دست کم در خصوص اسکوتر، در اروپا نیز تازه و نو است، هرچند که این وسیله در شهرهایی نظیر مسکو مدتهاست که مورد استفاده بسیاری از شهروندان قرار می‌گیرد و استقبال خوب از آن موجب شده که سرویس‌های اشتراک گذاری اسکوترهای برقی در شهرهای، چون پاریس در دستور کار مدیران شهری قرار گیرد.این در حالی است که ایده اشتراک گذاری دوچرخه در تهران مدتهاست اجرایی شده و اخیرا با ورود یک استارت‌آپ به این عرصه، تا حدودی مورد توجه نیز قرار گرفته است، اما همچنان موانع بسیاری پیش روی آن قرار دارد و در مقطعی، برخی اتفاقات (مانند شائبه‌هایی که در خصوص غیرقانونی بودن استفاده زنان از دوچرخه مطرح شد)، نشان داده که بسیار شکننده است.البته موانع پیش روی این ایده جدی‌تر از این هاست، به ویژه اگر بدانیم ایده شهرداری تهران برای رونق بخشیدن به دوچرخه سواری، اختصاص بخشی از معابر موجود به دوچرخه سواران، آن هم تنها در برخی خیابان‌ها در سطح شهر است، نه بیشتر. موضوعی که از یکسو موجب شده این معابر کم عرض‌تر شده و بر شدت ترافیک و نارضایتی شهروندان بیافزاید و از سوی دیگر، فاقد پیوستگی و الزامات ترویجی و آموزشی است.کم و کاستی‌هایی که ظاهرا قرار نیست مانع از اجرای ایده‌های جدید و توسعه بخشیدن به این نوع حمل و نقل در شهرداری تهران شود، چراکه به باور شهردار تهران «باید این حرکتی که در پایتخت برای توسعه استفاده از دوچرخه آغاز شده را ادامه دهیم، زیرا فرض بر این است که با یک دوچرخه‌سوار بیشتر، یک خودرو از تردد در سطح شهر حذف می‌شود.»حق دیدی که ظاهرا سفر اخیر شهردار تهران به وین در ترسیم آن تاثیر به سزایی داشته است تا جایی که همگام با گرایش اروپایی‌ها به اسکوتر برقی، تاکید می‌کند: «باید استفاده از اسکوتر برقی و توسعه آن در شهر جدی گرفته شود چراکه اسکوتر محدودیت‌های دوچرخه را ندارد و از مسئولان و رسانه‌ها می‌خواهم فضا را برای تردد اسکوتر و دوچرخه فراهم کنند.»اظهارنظری که نشان می‌دهد اسکوترهای برقی به زودی به تهران خواهند رسید، ولو ایده ترویج دوچرخه سواری در ابتدای راه، با انبوه مشکلات دست به گریبان باشد! ایده‌ای که پیش فرض تامل برانگیز و عجیبی هم دارد؛ اینکه بخشی از رانندگان تک سرشین ترغیب خواهند شد که از اسکوتر برقی استفاده کنند!



نامگذاری این روز به سال ۲۰۰۳ بر می‌گردد زمانی که ایده نامگذاری این روز بعنوان روز جهانی دختران از طرف انجمن حمایت از کودکان مطرح شد.کشور آلمان ، اولین کشوری بود که این ایده در آن شکل گرفت و به مرور زمان و بعد از گذشت ۸ سال از ایده نامگذاری روز جهانی دختران در ۱۱ اکتبر ، بالاخره سازمان ملل این پیشنهاد را پذیرفت و از آن نیز حمایت کرد.البته این ایده تا سال ۲۰۰۹ هیچگونه رسمیتی نداشت و بعدها با راه اندازی انواع کمپین برای حمایت از دختران سراسر جهان و پیشنهاد یکی از انجمن های حمایت از کودکان به سازمان ملل ، این ایده به رسمیت شناخته شد و با استقلال زیادی نیز رو به رو شد.پاوجود ۱.۱ میلیارد دختر بچه در سراسر جهان، سازمان ملل نگاه ویژه خودرا روی دخترانی گذاشته که مورد بی‌عدالتی و تبعیض جنسیتی قرار گرفته‌اند و سعی دارد تا بدین گونه بحران و معضلاتی که این کودکان در زندگی روزانه خود با آن مواجه هستند رابه سمع و نظر مردم جهان برساند.مضمون روز جهانی دختر درسال جاری «توانمندسازان دختران: پیش، در طول و پس از تعارض» اعلام شده است. دلیل انتخاب این موضوع نیز گسترش روزافزون خشونت ها، تجاوزهای جسمی، تعارض‌های جنسیتی علیه دخترها ، بهره‌کشی، قاچاق و ازدواج اجباری در کودکی در اکثریت قریب به اتفاق کشور های دنیا عنوان شده است.

روز جهانی دختران در ۱۱ اکتبر در تهران برگزار شد

روز جهانی دختران در ۱۱ اکتبر در تهران برگزار شد



ماهنامه
خوش اخلاق ها
و خوش ذوق ها
در حوزه اقتصادی و اجتماعی
ماهنامه اجتماعی و اقتصادی - سال پنجم - شماره ۵ و ۶ - مهر و آبان ماه ۱۳۹۸

ته مقاله

مدیر مسئول

طرح: کامییز درمیخش



خدمت خوانندگان محترم و سروران مشترک و غیر مشترک که به نوعی پولی یا مجانی هر ماه یک نسخه جریده ما را دریافت می کنند ، عارضم که این قضیه بر قارئین معظم پوشیده و مخفی نیست که در این دوران وانفاسی گرانی کاغذ وسرانه مطالعه یک صدم ثانیه در روز هموطنان فرهیخته ، جیگر شیر و سر پر سودا می خواهد که جریده داری کنی. اوضاع ما به مثل مستاجری می ماند که هر ماه رویش را برنگردانده آخر ماه می شود و خستگی کار از یک طرف و چمچاره پرداخت هزینه های اصلی و فرعی و بلاخص چک چاپخانه از طرف دیگر روزها و ماهها و سالهای آینده را چون زهر بر ما کوفت و خواب به چشمانمان حرام می کند.منظور این است که با تمام این وزاریات سعی کردیم از قلم نویسندگان زبردست آب زیرکاه و طنزیم کنندگان نامی دیروز و امروز که کم هم الکی نیستند مستفیضان کنیم. نتیجه اینکه جریده ای که به طبع و نظرتان می رسد یکی از هزاران نبوغ نهانی ماست که بعضی ها می دانند و به روی مبارکشان نمی آورند آن هم به دلایلی که ما می دانیم و شما نمی دانید و بهتر است خودتان را درگیر مشکلات ما نکنید. به قول قضیه تق ریز نومیچه هدایت خان عزیز که اگر می دانست هواخواه پر و پا قرصی چون ما دارد هر گز از افسردگی در عتفوان جوانی در غربت خودکشی نمی کرد ،خوشبختانه بر عکس خیلی از سایر همکاران یک کلمه از جاهای دیگر بدون ذکر منبع دزدی نکرده ایم و اصلن احتیاج به چنین عملی نداشتیم . و اما قضیه رنگ عوض کردنمان را به پای قضیه ماجراهای آقای ملون نگذارید . بلکه بدلیل پاره ای منظور بعضی مشکلات فنی در چاپ هیئت تحریره تصمیم به دورنگی گرفتند، سو تفاهم نباشد، منظور همان چاپ دو رنگ بود که ملاحظه می فرمائید. وایضا بقول قضیه وای بحال نومیچه صادق خان ، جونم واسه شما بگه آقام که شما باشید :

وای بحال آن کسی که از سبک و سیاق تک و آس ما کپی برابر اصل کند و ما خبردار شویم که وا مصیبتا به حالش ، آن سرش ناپیدا که اگر کسی پا روی کفش ما بگذارد.

وای بحال آن کسی که اقدام به انتشار مطالب ما بدون ذکر منبع کند. وای بحالش اگر از ما و نویسندگان ما بد بگوید ، انتقاد کند ، نطق و مستخره کند که رسواش می کنم من .

و ایضا بقول قضیه جایزه نومیچه دوست بزرگوارمان ، در پیشگاه ادبا و فضایی جلیل القدر و ارباب علم و دانش پوشیده و مخفی نماناد که اینجانبان تصمیم قطعی گرفتیم که هرکس کمر همت بر میان بندد و به ما آگهی دهد و مشترک شود، ما را در امر خیری که گفتیم یاری نماید علاوه بر سهمیم شدن در ثواب آن به عنوان اسپانسرینگ و حامی در تمام صفحات با درج لوگو تجلیل و قدردانی می گردد باشد که اشخاص دیگر تشویق شوند و عبرت سایرین گردد . البته نه اینکه کار و بار زندگی خودشان را اول کنند و فقط سنگ ما را به سینه بزنند. در پایان به قول تقدیم نومیچه هدایت : ای خوانندگان معظم و گرامی! ما این جریده را با کمال احترام ، دو دستی ، تقدیم می کنیم به شما. خداوند حامیان و تعریف کنندگان ما را توفیق و پول عنایت فرماید!

آزار در محل کار زنان ژاپنی

بر اساس نظرسنجی‌های دولت ژاپن بیش از یک سوم از زنان شاغل مبتلا به مشکلات سلامت روان در این کشور مشکلات خود را ناشی از نوعی آزار و اذیت در محل کارشان اعلام کرده‌اند.در ژاپن هم‌چنان تبعیض علیه زنان در محیط‌های کاری بسیار زیاد است.این کشور در آخرین فهرست شاخص شکاف جنسیتی مجمع جهانی اقتصاد (WEF) در رتبه ۱۱۰ از میان ۱۴۹ کشور جهان قرار گرفته است.این کشور با وجود تعهد نخست وزیرش، "شینزو آبه" به توانمندسازی زنان شاغل از طریق سیاست‌های خاص در بین کشورهای G۷ از نظر برابری جنسیتی در آخرین رتبه‌ها قرار گرفته است.این نظرسنجی توسط وزارت بهداشت، کار و رفاه ژاپن روی نمونه‌ای از ۲۳۷۴ نفری که از مشکلات بهداشت روان رنج برده و بین ژانویه ۲۰۱۰ تا مارس ۲۰۱۷ میلادی شناسایی شده‌اند، انجام گرفته است.در این نظرسنجی از ۷۴۰ زن شرکت کننده، ۱۹.۷ درصد اظهار داشتند که در محیط کاری خود قربانی آزار و تعرض شده و ۱۶.۶ درصد نیز اعلام کردند که مورد آزار و اذیت، زورگویی و سوء استفاده از قدرت توسط مافوق‌های خود قرار گرفته‌اند.

۲۱.۹ درصد دیگر از زنان شرکت کننده نیز مشکلات سلامت روان خود را ناشی از یک حادثه آسیب زا مانند مشاهده یک تصادف جدی یا یک فاجعه طبیعی اعلام کردند.این نظرسنجی به عنوان بخشی از گزارش هیئت دولت ژاپن مبنی بر جلوگیری از مرگ ناشی از کار بیش از حد منتشر شده است. ژاپن که به داشتن فرهنگ "حقوق‌یگیری" و ساعات کاری تنبیهی شناخته می‌شود، سال‌ها در تلاش است تا تأثیر کار بیش از حد بر سلامت کارمندان را برطرف کند. ساعات کاری بیش از حد مشکل بزرگی در این کشور است.در بین ۱۶۳۴ مرد مورد بررسی، مشکلات مربوط به کار نیز در صدر این لیست قرار گرفته است. حدود ۲۳.۱ درصد از مردان شرکت کننده اظهار داشتند که مشکلات سلامت روان آن‌ها در اثر تغییر در نقش شغلی یا حجم کار ایجاد شده و ۱۵.۹ درصد نیز مورد آزار و اذیت قرار گرفتن، زورگویی و سوء استفاده از قدرت را عامل مشکلات خود دانسته‌اند.

۱۵.۳ دیگر نیز مشکلات خود با مافوق‌هایشان را عامل بروز مشکلات روانی اعلام کرده و ۱۲.۸ درصد نیز مشکلات سلامت روان خود را به کار مداوم به مدت دو هفته نسبت داده‌اند.بنا بر گزارش سسی‌ان‌ان، در این نظرسنجی و بررسی هم‌چنین تعداد خودکشی‌ها در نتیجه کار بیش از حد توسط صنعت بررسی شده است. بالاترین میزان در بین کارمندان اداری با ۴۱ مورد گزارش شده و پس از آن فروشندگان با ۳۸ مورد و رانندگان با ۳۵ مورد در رتبه‌های دوم و سوم قرار گرفته‌اند.

توفیق اقتصادی

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: حورا خاکدامن
سردبیر: امیر اسماعیل کاظمی
چاپ: کارگر

آدرس: خیابان سپه، بین سپهبد قری و نجات الاهی، شماره ۲۳۱، واحد ۸
تلفن: ۸۸۸۵۳۳۷۱
فکس: ۸۸۸۵۳۳۷۵

توفیق اقتصادی در ۱۵۰ کیبوسک منتخب مطبوعاتی تهران توزیع می‌گردد جهت اطلاعات بیشتر به سایت istanews.ir مراجعه فرمایید.

چرا فمینیسم ونه اومانیسیم؟

می توانید به محک بگویید "تمایز میان کودک دارای سرطان و نندارای (!) سرطان را بردارید و به جایش از اومانیسیم سخن بگویید"؟

باور کنید من هم دلم نمی خواهدم انقدر به "جنسیت" فکر کنم، دلم نمی خواهد یکسره به فاصله زیاد بین زن و مرد بودن، فکر کنم. واقعا خودم هم خسته شده ام. ولی بدبختی به جمله آخر بپردازم: "زنان می خواهند حرف بزنند؟ می خواهند جامعه، نمی گذارد. برای هر تفریح کوچکی، برای رفت و آمدهای ساده، برای حتی رنگ لباسی که می خواهم بپوشم، برای صدای خنده ام و برای خیلی چیزهای جزئی دیگر، زن بودنم را مثل یک پتک بر سرم فرود می آورد.

فمینیسم از زنان حرف می زند، به این دلیل که در دنیای شکل گرفته توسط مردسالاری، اومانیسیمی نمی تواند وجود داشته باشد. هیچ کس از دردی که ندارد، نمی نالد! شما اگر بخواهید از ناعادلانه بودن سربازی اجباری برای پسران سخن بگویید، در حرف هاتان واژه مرد یا پسر را به کار نمی برید؟ عبارات "سربازی" و "اجباری" را ذکر نمی کنید؟ در تحلیل هاتان به عامل جنسیت اشاره نمی کنید؟ شما به سربازی اجباری برای پسران اعتراض می کنید، چون "وجود دارد"!

حرف فمینیسم همین است: این فاصله عجیب و غریب میان زن و مرد، انسانی و منصفانه نیست؛ این دوگانه زن/مرد که چنان



سر کلاس، یکی از آقایان همکلاسی پرسید که "چرا فمینیست ها همچنان بر زن/مرد تاکید می کنند؟

چرا از اومانیسیم نمی گویند؟ از دوگانه ها عبور کنیم. زنان می خواهند حرف بزنند؟ می خواهند گفتگو کنند؟ خوب بیایا گفتگو کن!". پاسخ، ساده تر از آنی ست که فکرش را بکنید. #فمینیسم وجود دارد، به همان دلیل که حقوق کودکان وجود دارد، به همان دلیل که دفاع از حقوق افراد دارای معلولیت وجود دارد، به همان دلیل که انجمن مبتلایان به ام اس، هموفیلی، تالاسمی، صرع و... وجود دارد. شما می توانید از انجمن احیا بپرسید "بخشید! شما چرا برای آنهایی که ایدز، زندگی شان را فرو پاشانده، اشتغال ایجاد می کنید؟" می توانید از انجمن پوشش بپرسید که "چرا برای کودکان افغانستانی ای که به دلیل بی شناسنامه بودن، از تحصیل باز مانده اند، فعالیت می کنید، به جای این کارها بیاید از اومانیسیم بگویید"!

فریاد «ایران ایران» دیگر مردانه نبود

رفتند:زنانی که به ورزشگاه رفتند همان‌هایی هستند که در جامعه به دانشگاه می‌روند، سرکار می‌روند، سینما و تئاتر می‌بینند دقیقا مثل مردهایی که به ورزشگاه می‌روند.مردها و زن‌ها سال‌هاست که در کنار هم در جامعه زندگی می‌کنند و می‌توانند بدون حاشیه به ورزشگاه هم بروند. پس لطفا زیاد نگران حضور زنان در ورزشگاه نباشیم:از سوی دیگر در این یادداشت می‌خواهم به یک پیشنهاد اشاره کنم. درهای آزادی به روی زنان باز شد. چقدر خوب می‌شود که بازی‌های ملی به شهرهایی که توانایی برگزاری بازی‌های ملی را دارند منتقل شود و زنان آن شهرها هم طعم حضور در ورزشگاه را بچشند.چه اشکالی دارد که بازی تیم ملی در مشهد، اهواز، اصفهان و تبریز برگزار شود؟ حداقل این است که در این ورزشگاه‌ها شاهد سکوهای خالی قسمت مردان نخواهیم بود.تیم ملی متعلق به همه مردم ایران است و باید اهالی شهرهای مختلف را درلذت دیدن بازی‌های ملی شریک کنیم. کاری که در تمام جهان مرسوم است و بازی‌های ملی در شهرهای مختلف برگزار می‌شود.زمانی ورزشگاه آزادی تنها استادیوم استاندارد ایران بود. حالا اما داستان فرق کرده

آنهایی که بعد از انقلاب به دنیا آمده‌اند، ندیده بودند که زنان برای دیدن یک بازی فوتبال بلیط بخزند و مثل مردها به ورزشگاه بروند، تشویق کنند، بوق بزنند و هورا بکشند.۱۸ مهر سال ۹۸ اما یک اتفاق ویژه در تاریخ ورزش ایران بعد از انقلاب افتاد. زنان به ورزشگاه راه یافتند. حدود ۳ هزار زن با خرید بلیط، روی صندلی‌های ورزشگاه آزادی نشستند و پا به پای مردان حتی بیشتر از آنها فوتبالیست‌های تیم ملی ایران را تشویق کردند و برای‌شان هورا کشیدند و کف زدند.شاید اگر فشارهای فیفا نبود، به این زودی‌ها شاهد این حضور نبودیم اما به هر ترتیبی بود این اتفاق افتاد و این تابو شکست. از این به بعد حداقل در بازی‌های ملی شاهد حضور پررنگ زنان خواهیم بود. به امید روزی که آنها در بازی‌های باشگاهی به ویژه دربی تهران حاضر باشند.در تمام این سال‌های خیلی‌ها مخالف این حضور بودند. هزار و دلیل بزرگ و کوچک می‌آوردند که زنان نباید به ورزشگاه بروند. مثلا می‌گفتند که زیر ساخت‌ها آماده نیست. حالا زنان به ورزشگاه رفتند و آسمان هم به زمین نیامد. زنان راحت آمدند و راحت

اراده ملی و مطالبه گری زنان

معمومه ابتکارمعاون معاون امور زنان و خانواده رییس جمهور: فیفا به حضور بانوان در ورزشگاهها کمک کرد اما اصل کار را دولت انجام داد.اراده ملی و مطالبه‌گری زنان باعث شد که مقدمات حضور آن‌ها در ورزشگاه فراهم شود و فیفا در این زمینه فقط کمک حال بوده است. قرار نبود اتفاق خاصی بیفتد. اتفاقا حضور خانم‌ها در عرصه‌های ورزشی فضای فرهنگی را بهتر می‌کند. از هواداران هم تشکر و تقاضا می‌کنم که آن‌ها هم تلاش کنند در ورزشگاه‌های ما فضای فرهنگی بهتری باشد. شان ورزش ما این است که فضای فرهنگی وجود داشته باشد. حضور خانم‌ها به این موضوع خیلی کمک می‌کند.

جهانگیری معاون اول رئیس جمهور: امروز یکی از خواسته‌های بخش مهمی از زنان، جوانان و فعالان مدنی به خوبی تحقق یافت و زنان برای تماشای مسابقات فوتبال به ورزشگاه آزادی رفتند. آگاهی و رشد مدنی زنان و مردان در ورزشگاه نشانه‌ای بود از احترام به حساسیت‌های بخش‌های دیگری از جامعه و رفع نگرانی برای تداوم اقداماتی از این دست.

گروه آوازی نوجوان انجمن فرهنگی اتریش

تئاتر موزیکال شازده کوچولو

آریانا رضایی، بهار سنایی، پارمیس همراهی، پرنای صبری، دنیا صلاصلی، شایا آقاخانزاده، ملینا رضایپور، نیکا میرابی، نیکی رکنی، بیستا کاظمی نظیر و یاسمینا رحیمی.

خوانندگان به ترتیب حروف الفبا صدای بم: آرمان اردستانی، ترانه مهید، غسل کوثری‌زاده، غسل یعقوبی، ملینا جلالی و ناریس امیدوار.

نوازندگان: ارغوان منتظری(فلوت)، پویا عشقی نژاد(ویولن)، رهام ایرانخواه(کلارینت)، نرگسی فلاح پسند(ویولن سل)، غزال سالار بهزادی(پیانو) و با تشکر از: فرهود بیگلربیگی.

گردید:

بازیگران به ترتیب ورود به صحنه:آلین یاریان(شازده کوچولو)،هژبر هورسان(خلبان و راوی)،نگین وطنی(گل)،باشار عبدالحسین‌پور(پادشاه)،درسا حیدر عربی(خودپسند)،علی باغبان‌منش(می‌خواره)،نیکا غفاری(فانوس بان)،روشا اخترکاوایان(تاجر)،آوا احمدی زاده(جغرافی‌دان)،دیبا سلطان‌نیا(مار)،سیتا اسکندری(روبا)،پارمیدارجیبی(گل سرخ کوچک)،یاسمین مهرزادی(سوزن‌بان)،نیکا یزدان‌خواه(پیلوهر)

خوانندگان به ترتیب حروف الفبا صدای زیر:

تاتر موزیکال شازده کوچولو (derkleineprinz) اثر آنتوان سنست اگزوپری در انجمن فرهنگی اتریش (ÖKFT) به زبان فارسی توسط گروه آوازی (گل یخ) بر اساس نسخه موزیکال (Basti Bund) در روزهای ۲۲، ۲۳، ۲۴، ۲۵ آبان در سالن مهر حوزه هنری تهران بروی صحنه رفت .این نمایش موزیکال به سرپرستی و رهبری گروه:غزال سالار بهزادی ،کارگردان:جمال هاشمی،مدیر اجرایی: نگار رزاق زاده،دستیار رهبر: دلارا حاذق فطرت جود،دستیار کارگردان: شمین پرهیزگار با هنرمندی اعضای برگزیده گروه آوازی نوجوان انجمن فرهنگی اتریش اجرا



توفیق اقتصادی در ۱۵۰ کیبوسک منتخب مطبوعاتی تهران توزیع می‌گردد جهت اطلاعات بیشتر به سایت istanews.ir مراجعه فرمایید.